سال نو میلادی را به هموطنان مسیحی صمیمانه تبریک میگوئیم

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال اول، شمارهٔ ۱۳۲
سه‌شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۰ ریال

چریکهای فدائی درمیان دوگرایش متضاد

□ چرا فدائیان به همان نسبت که به مواضع سیاسی و تئوریک حزب تودهٔ ایران نزدیک‌تر میشوند، بردامنه خشم و هجوم ولجن‌پراکنی‌های خودبه آن می‌افزایند؟

صفحه ۳

امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌هاست

همه‌جا و درهر زمان

صفحه ۵

تحلیلی از لحظه

مبارزه طبقاتی تشدید میشود، دوران بسیار حساسی رامیگذرانیم

در رویاروئی لیبرالهای رفورمیست و دمکراتهای انقلابی، ما از دمکراتهای انقلابی پشتیبانی میکنیم

صفحه ۶

اطلاعیه دبیرخانه
کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

علیه تجاوز به دفتر «مردم» به شدت اعتراض می کنیم

* از مقامات مسئول می‌طلبیم باهشیاری وحس‌مسئولیت بیشتری در حفظ امنیت و سلامت مراکز سازمانهای سیاسی بکوشند

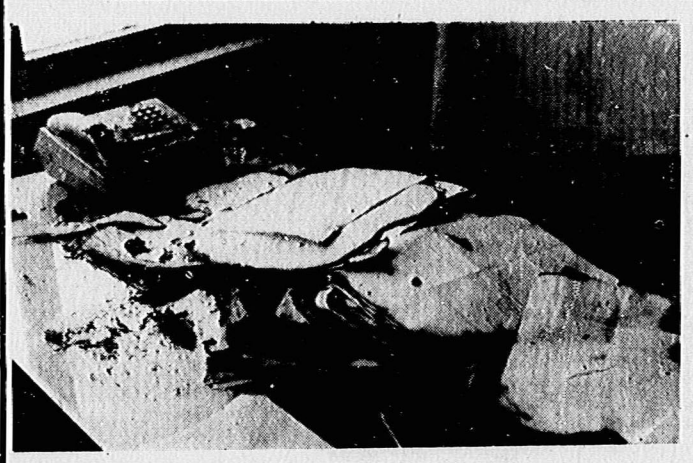

اثر ضدانقلاب در حمله به دفتر «مردم»

صفحه ۲

وطن فروشی که می گریخت

همه او را دیدند که می‌گریخت
وبالاپوشش در باد تاب می‌خورد
بستوه آمده ، بی‌لگام ،
باچمدانهای انباشته
ولی بامغز تهی
با باری از خیانت بردوش
همه او را دیدند که می‌گریخت
همه او را دیدند...

شبنم

۱۹۷۹

سال شکست‌های تازه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بود

ص ۵

امام خمینی: «هرآدمی وهرگروهی را باید از رفقایش فهمید که کی‌هاهستند.»
(از سخنان امام درملاقات بااعضای شورای ۵ نفری صداوسیمای جمهوری‌اسلامی‌ایران)

آمریکا، همدستان و دست نشاندگانش حکومت جدید افغانستان را محکوم میکنند! چرا!؟

صفحه ۲

دیروز مردم بادستهای فشرده‌درهم دربرابرجاسوسخانه آمریکا می‌طلبیدند:

اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم

دیروز لیز سیل خروشان خلق در برابر لانه جاسوسی آمریکا ادامه داشت و این امر نشان می‌دهد که سرمای زمستان هم مانعی برای تظاهر عزم راسخ توده‌ها نیست

هزاران تن‌ازکارگران،دانش‌آموزان و کارمندان دیروز در برابر جاسوس‌خانه آمریکا اجتماع کردند تا حمایت خود را از ادامه افشاگریهای دانشجویان‌پیرو خط امام اعلام کنند.

دیروز ابتدا گروه کثیری از کارگران مرکز تکامل صنعتی و صندوق کارآموزی پافت‌آباد، در حالیکه لباسهای کار خود را بر تن داشتند، دربرابر لانه‌جاسوسی اجتماع کردند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند که بر روی آن چنین نوشته شده بود:
اتحاد و وحدت ضامن پیروزی است
اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم
آنها شعار می‌دادند:

بقیه در صفحه ۲

مردم دشمن اصلی خود را می‌شناسند، لذا فریاد میزنند: نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا!

روزنامه‌تشرین‌چاپ‌سوریه:

توطئه آمریکا درافغانستان خنثی شد

روزنامه تشرین، ارگان نیمه رسمی سوریه، اعلام کرد که کمک نظامی اتحاد شوروی به جمهوری دمکراتیک افغانستان‌در چارچوب پیمان دوستی وهمکاری دو کشور صورت گرفته است.

تشرین آمریکا را که تلاش دارد این کمک‌را «مداخله» در امورداخلی کشور دیگر وانمود سازد، بباد تمسخر گرفته و نوشته است که توطئه آمریکا خنثی شده است.

تشرین نوشت که‌این آمریکاست که‌تلاش‌داردبه‌انقلاب‌ایران‌آسیب برساند وعلیه تمام جنبش‌های آزادیبخش دست به‌تعرض بزند.

تشرین یادآورشد که‌آمریکا نمی‌تواند بفهمد که‌اراده خلق‌ها تمام مواضع‌وتوطئه‌هارادرهم‌می‌شکند.

حزب کمونیست ویتنام

از دولت ببرک کارمل و کمک اتحاد شوروی به افغانستان پشتیبانی میکند

روزنامه نهان‌دان، ارگان حزب‌کمونیست ویتنام،درسرمقاله دیروزخود تحت‌عنوان «ایده‌آل انقلابی پیروز شد»، نوشت که جمهوری سوسیالیستی ویتنام اقدام برادرانه و جوانمردانه اتحاد شوروی‌را درمورد کمک به‌حفظ دستاوردهای انقلاب افغانستان‌مورد پشتیبانی کامل قرار میدهد. نهان‌دان نوشت که، اخیرخائن‌به‌آرمان آزادی وهمدست امپریالیسم آمریکا و پرتری‌طلبان پکن بود، ارگان حزب‌کمونیست ویتنام یادآور شد که امین، نورمحمدتره‌کی را بقتل رساند، کادرهای انقلابی‌را قتل‌عام‌کرد ودر مسیر خیانت به‌دستاوردهای انقلاب دهالی‌پخش افغانستان‌گام برمی‌داشت. اما امروز انقلاب درمسیر درست قرار گرفته است. نهان‌دان نوشت که خلق قهرمان ویتنام ازپیروزی اخیر انقلاب افغانستان خرسند است وکمک اتحاد شوروی درچارچوب پیمان دوستی و همکاری دو کشور صورت می‌گیرد.

لدوآن، دبیر کل‌حزب‌کمونیست ویتنام، پیام‌تبریکی‌برای ببرک‌کارمل ارسال داشت.

خط امام، خط ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است

مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رای میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

امپریالیسم آمریکا، همدستان و دست‌نشاندگانش حکومت جدید افغانستان را محکوم میکنند! چرا!؟

«کارتر کشورهای همدست امریکا» به اقدامی هماهنگ علیه شوروی در افغانستان دادار می‌کند.

بدنبال کودتای افغانستان کشورهای مختلف عکس‌العمل نشان داده‌اند. علاوه بر وزارت خارجه ایران که دیروز نظر خود» ابراز داشت» کشور هائی نظیر امریکا، اتحادیه نظامی ناتو، پاکستان، ایتالیا، ترکیه، چین، کویت، مصر، فرانسه، عربستان سعودی، اتحادجماهیر شوروی رادرکمک افغانی‌ها که به «یورش کارمل» رهبر جدیدافغانستان داده محکوم کرده‌اند.»

این جمع‌بندی رادیوتلویزیون کیهان (۵دی) از مجموعه فعالیت کشور های دوست امریکای خواهلوند، که ناگهان «دوست مردم» مسلمان‌افغانستان» ازکار درآمده‌اند، ارائه کرده است.

درهمین جمع‌بندی، کیهان فعالیت امریکارا دنبال میکند: «محولات‌افغانستان چنان آرامی رابرکارتر وهمدستان اودر اروپای غربی داشته که پلافاصله «وارن کریستوفر» معاون وزارت خارجه آمریکا آماده پرواز به لندن برای مذاکره با انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا وکانادا شده است تا معلوم کند که غرب چه عکس‌العملی رابایدبرابرشوروی نشان دهد.» (همان جا)

جیمی کارتر «بشردوست» هم بیکار نمانده است: «بدنبال کودتای افغانستان کارتر بایستر کشورهای دستیار امریکا تماس گرفته و همارا قانع کرده‌است که اقدام شوروی تهدید شدیدی علیه صلح است.» (همان جا)

کیهان ادامه میدهد: «ظاهرا کارتر در تماسهای تلفنی خود بارهبران کشورهای دوست امریکا درصدد اجرای طرحی هماهنگ علیه شوروی برآمده است.» (همانجا)

این تلاش امپریالیستها برای رسیدن بیك طرح واحد دنبال میشود: «دولت فرانسه دبیر کل وزارت خارجه خودرابرای مشورت بالانگلیسها به لندن فرستاده است.» (همانجا)

و:

«ژیسکاردستن رئیس جمهوری‌فرانسه سخنرانی تلفنی با کارتر دراینمورد(افغانستان) مشغول تبادل‌نظر بوده‌است.» (همانجا)

وبالاخره امپریالیستهای «بشردوست» که یکجا به توطئه ددمنشه علیه«انقلاب اسلامی»ایران» مشغولندوبرای‌خوش‌نمایاست چشم خودرا بر«تجاوز هروزه اسرائیل به مسلمانان فلسطینی ولبنانی رسوری و... بسته‌اند، به طرح واحدی برای «دفاع از مسلمانان افغانستان» دست می‌یابند:«حمله امپریالیستوبرادرسنشاندگان ونوکرانشان آغاز میشود.

● آمریکا

اول ازهمه امریکا، این «شیطان‌بزرگ» (امام خمینی) روشن‌ضمیر همه مستضعفین جهان (امام) وحامی مستکبران (شعار طاغوتیان میلیون مردم ایران) وسبب اصلی غارت ایران وبه شهادت رسیدن ۷۰ هزار مسلمان (امام) به‌میدان می‌آید.

«حقیقتاً» امین مرد پرونده افغانستان درکودتاکی به «برك کارمل» را به قدرت رساند ساقط شد.» (آزادگان ـ ۹دی)

گوینده این سخنان،که حفیظ الله امین، معروف به «مارکسیست» را «مرد برسنده» میخواند،توماس‌رستون‌سخنگوی وزارت خارجه امریکا است!

کارترهم ازاعدام حفیظ‌الله امین و سقوط دولت او ناراحت شده‌است:

«واقعه جدی دیگری که سبب نگرانی فزاینده‌ای درمورد صلح وثبات درهمان منطقه ازجهان شده است، دخالت نظامی اخیر شوروی درافغانستان است‌که اکنون منجربه سقوط حکومت رسمی و اعدام رئیس جمهور آن کشور شده است.» (کیهان ـ ۸ دی)

یعنی «شیطان بزرك» به‌فقط حامی «مسلمانان» افغانستان است، بلکه ناگهان «وارد» «رئیس جمهور مارکسیست» افغانستان هم شده است!

● چین

چین، بنابروظیفه، بلافاصله به‌کمك امپریالیستها می‌آید ودست به شدیدترین حمله‌ها میزند «آنجا که، حتی روی کشورهای امپریالیستی راهم سفیدمیکند!

«ارضاع جاری حاکم درافغانستان‌ناشی ازمداخله اتحاد شوروی است، تنها اوج گرفتن مداخله شوروی در افغانستان تبدیل شورش‌مسلحانه به‌یك آتش‌افروزی است، که درآن مسکو انگشتان خودرا ازدست خواهد داد.» (جمهوری اسلامی ، ۱۰ دی)

چین هرچه می‌تواند بدوستان غربی کمك می‌کند:

«دیکتاتورهای همدست امریکا» به اقدامی هماهنگ علیه شوروی در افغانستان وادار می‌کند.

بدنبال کودتای افغانستان کشورهای مختلف عکس‌العمل نشان داده‌اند. علاوه بر وزارت خارجه ایران که دیروزنظر خود» ابراز داشت» کشور هائی نظیر امریکا، اتحادیه نظامی ناتو، پاکستان، ایتالیا، ترکیه، چین، کویت، مصر، فرانسه، عربستان سعودی، اتحادجماهیر شوروی رادرکمك افغانی‌ها که به «یورش کارمل» رهبر جدیدافغانستان داده محکوم کرده‌اند.»

این جمع‌بندی رادیوتلویزیون کیهان (۵دی) از مجموعه فعالیت کشور های دوست امریکای خواهلوند، که ناگهان «دوست مردم» مسلمان‌افغانستان» ازکار درآمده‌اند، ارائه کرده است.

درهمین جمع‌بندی، کیهان فعالیت امریکارا دنبال میکند: «محولات‌افغانستان چنان آرامی رابرکارتر وهمدستان اودر اروپای غربی داشته که پلافاصله «وارن کریستوفر» معاون وزارت خارجه آمریکا آماده پرواز به لندن برای مذاکره با انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا وکانادا شده است تا معلوم کند که غرب چه عکس‌العملی رابایدبرابرشوروی نشان دهد.» (همان جا)

جیمی کارتر «بشردوست» هم بیکار نمانده است: «بدنبال کودتای افغانستان کارتر بایستر کشورهای دستیار امریکا تماس گرفته و همارا قانع کرده‌است که اقدام شوروی تهدید شدیدی علیه صلح است.» (همان جا)

کیهان ادامه میدهد: «ظاهرا کارتر در تماسهای تلفنی خود بارهبران کشورهای دوست امریکا درصدد اجرای طرحی هماهنگ علیه شوروی برآمده است.» (همانجا)

این تلاش امپریالیستها برای رسیدن بیك طرح واحد دنبال میشود: «دولت فرانسه دبیر کل وزارت خارجه خودرابرای مشورت بالانگلیسها به لندن فرستاده است.» (همانجا)

و:

«ژیسکاردستن رئیس جمهوری‌فرانسه سخنرانی تلفنی با کارتر دراینمورد(افغانستان) مشغول تبادل‌نظر بوده‌است.» (همانجا)

وبالاخره امپریالیستهای «بشردوست» که یکجا به توطئه ددمنشه علیه«انقلاب اسلامی»ایران» مشغولندوبرای‌خوش‌نمایاست چشم خودرا بر«تجاوز هروزه اسرائیل به مسلمانان فلسطینی ولبنانی رسوری و... بسته‌اند، به طرح واحدی برای «دفاع از مسلمانان افغانستان» دست می‌یابند:«حمله امپریالیستوبرادرسنشاندگان ونوکرانشان آغاز میشود.

● آمریکا

اول ازهمه امریکا، این «شیطان‌بزرك» (امام خمینی) روشن‌ضمیر همه مستضعفین جهان (امام) وحامی مستکبران (شعار طاغوتیان میلیون مردم ایران) وسبب اصلی غارت ایران وبه شهادت رسیدن ۷۰ هزار مسلمان (امام) به‌میدان می‌آید.

«حقیقتاً» امین مرد پرونده افغانستان درکودتاکی به «برك کارمل» را به قدرت رساند ساقط شد.» (آزادگان ـ۹دی)

گوینده این سخنان،که حفیظ الله امین، معروف به «مارکسیست» را «مرد برسنده» میخواند،توماس‌رستون‌سخنگوی وزارت خارجه امریکا است!

کارترهم ازاعدام حفیظ‌الله امین و سقوط دولت او ناراحت شده‌است:

«واقعه جدی دیگری که سبب نگرانی فزاینده‌ای درمورد صلح وثبات درهمان منطقه ازجهان شده است، دخالت نظامی اخیر شوروی درافغانستان است‌که اکنون منجربه سقوط حکومت رسمی و اعدام رئیس جمهور آن کشور شده است.» (کیهان ـ ۸ دی)

یعنی «شیطان بزرك» به‌فقط حامی «مسلمانان» افغانستان است، بلکه ناگهان «وارد» «رئیس جمهور مارکسیست» افغانستان هم شده است!

● چین

چین، بنابروظیفه، بلافاصله به‌کمك امپریالیستها می‌آید ودست به شدیدترین حمله‌ها میزند «آنجا که، حتی روی کشورهای امپریالیستی راهم سفیدمیکند!

«ارضاع جاری حاکم درافغانستان‌ناشی ازمداخله اتحاد شوروی است، تنها اوج گرفتن مداخله شوروی در افغانستان تبدیل شورش‌مسلحانه به‌یك آتش‌افروزی است، که درآن مسکو انگشتان خودرا ازدست خواهد داد.» (جمهوری اسلامی ، ۱۰ دی)

چین هرچه می‌تواند بدوستان غربی کمك می‌کند:

اینکه دولت امریکا باید از طرف کشورهای دیگر جلب حمایت اقتصادی ایران حمایت شود، می‌فرمایند:

«درصورت وقوع این امر دولت ایران نخواهد توانست بحیات خود ادامه دهد. با توجه به میزان واردات ایران و کشورهای مستقر در سواحل خلیج‌فارس آنان هیچ راهی‌جز تقاضا از ایالات‌متحده برای نجات خود از گرسنگی نخواهند داشت.» (کیهان ـ ۹ دی)

انورالسادات«مدافع مسلمانان‌افغانستان»! از امریکا میخواهد همان بلائی را بر سر مسلمانان ایران بیاورد که بر ویتنام آورد:

«حضور نظامی امریکا درایران جریان ویتنام را بدنبال نخواهد داشت و ایالات متحده ناراحتیهای ناشی از ویتنام را سپری کرده است و باید باحضورنظامی خود در ایران یك حالت بهاچمی نشان دهد.» (همان‌جا)

● ناتو

بعد از رژیم سادات، دوستان دیگر امریکا به میدان می‌آیند.

سخنگوی ناتو، این پیمان نظامی مجازار کارانه امپریالیستی، اعلام می‌کند: «این اقدام شوروی‌بشدت نمایانگرمداخله آشکار در امور داخلی افغانستان است و مایه نگرانی‌شدید این‌جامعه بین‌المللی است.» (آزادگان ـ ۹ دی)

● یونان

نظر بعدی را یونان کارامانلیس می‌دهد:

«یونان مداخله در کشورهای جهان سوم را نقض استقلال و تمامیت کشورها میداند و معتقد است صلح و امنیت بین‌المللی را درمعرض‌خطر قرار میدهد.» (همان‌جا)

● ژاپن

نظر بعدی را امپریالیسم ژاپن، شریك غارت امریکا در ایران و دیگر کشورها که‌علیه انقلاب توطئه می‌چینند، و آب بآسیاب امپریالیسم میریزند، سرف‌نظر از نام ولباس وبهانه مخالفم، تنها از دست چنین کسانی که بصدای‌های آتش‌زا میتوانند بسوی، دفتر «مردم» و دبیرخانه‌کمیته مرکزی حزب‌توده‌ایران پرتاب شود.

باهشدار به‌همه مردم، که بیش‌از بیش مواظب نقشه‌ها وتوطئه‌های دشمنان انقلاب باشند ودر این لحظات حساس هشیاری انقلابی خودرا‌حفظ کنندوهرگز دشمن اصلی‌را از نظر دور ندارند، ما از مقامات‌مسئول‌میطلبیم که‌به‌سهل‌انگاری‌ها پایان دهند ودرحفظ امنیت‌حرفه‌ای‌کرسیاسی ومغرسازمانهای مختلف بوظایف خود عمل کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابطی درزمینه آزادی فعالیت احزاب‌وسازمانها وتجمعات‌وغیره‌قیدشده که‌اینك قدرت قانونیت تام وتمام دارد. وظیفه ارگانهای مسئول‌درمنجمله کمیته‌ها است‌که این ضوابط را اجرا کنند و احترام‌به‌قانون اساسی‌راپاسداری‌نمایند. براین ارگانهاست که با جدیت مسئولین و علیه انقلاب ایران از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکرده و نمیکنند، در شمار «مدافعان مردم‌مسلمان‌افغانستان» درآمده است:

«مارگارت تاچر نخست وزیرانگلستان با ارسال نامه‌ای به لئونید برژنف«نگرانی عمیق» خود را از ورود سربازان شوروی به‌افغانستان ابراز داشت. سخنگوی‌دفتر نخست‌وزیر انگلستان اظهار داشت‌تاچر در این نامه نوشته است‌از اعلام‌مداخله‌شوروی مبنی‌بر اینکه اقدام این‌کشور به‌دعوت دولت افغانستان بوده، «کاملا گیج» شده است.

نخست‌وزیر انگلستان افزود دولت او معتقد است که خود مردم افغانستان این حق را دارند که خود دولتشان را انتخاب کنند.» (آزادگان ـ ۱۰ دی)

حالا چرا مردم ایرلند کنار گوش انگلستان و مردم افریقای‌جنوبی و روزدزیا این حق‌را ندارند و اگر باد این حق بیافتند توسط سربازان‌انگلیس بمسایه‌جالبهای قرون وسطائی می‌افتند و دست جمعی کشتار میشوند، سالهای است که خانم تاچر و سرمایه‌داران انگلیس‌باید به‌آن جواب بدهند.

● آلمان غربی

امپریالیسم آلمان غربی هم به‌نوبه‌خود وارد گود میشود: «دولت آلمان غربی، به‌شدت مداخله شوروی را در کودتای افغانستان محکوم کرد و آنرا یك مساله بسیارجدی‌خواند که مسائل‌اساسی درباره روابط بین‌المللی را به‌طرح می‌کشاند.» (آزادگان ـ ۸ دی)

ماهیت امپریالیسم آلمان غربی هم‌که روشن است، آخرین چشمه آن دفاع بی‌چون و چرا از امریکا درسساله‌اشغال لانه جاسوسی و بلوکه کردن‌ذخایر ایران در کروپ است.

● پاکستان

پاکستان هم که امام از افسران ملت حمله شبانه و ترس باهطری آتش‌زا به مقر دبیرخانه حزب‌مارا شناسائی کنند، آنهارا‌تحت پیگرد قرارداده‌ودبه‌مجازات اعدام قانعیت‌ما بانشان برسانند.

«اازارگانهای صاحب مسئولیت، متعهدوانقلابی وازهمه عناصروسازمان‌های‌صدیق انقلابی ومترقی انتظار داریم در این اعتراض وطلب، بانگ خود را همصدابامابلندکنند.

بی‌تردید تشبثات مذبوحانه‌ای از گوشه‌ونهاز،تحریکهاو، که‌اینهمه سرد و گرم روزگارچشیده، انرفعالیت درخدمت مردم‌ومهن بازخواهند داشت و آنرادراوج پایان دهند ودرحفظ امنیت‌حرفه‌ای‌کرسیاسی ومغرسازمانهای مختلف بوظایف خود عمل کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابطی درزمینه آزادی فعالیت احزاب‌وسازمانها وتجمعات‌وغیره‌قیدشده که‌اینك قدرت قانونیت تام وتمام دارد. وظیفه ارگانهای مسئول‌درمنجمله کمیته‌ها است‌که این ضوابط را اجرا کنند و احترام‌به‌قانون اساسی‌راپاسداری‌نمایند. براین ارگانهاست که با جدیت مسئولین آن خواست حکومت ضداسلامی و ضدخلقی‌اش را با انقلاب سرنگون کنند، به‌پیروی از ارباب‌امریکائی «مدافع‌اسلام» شده است: «دولت پاکستان که مداخله نظامی شوروی بیش از هر کشوری آن دولت را نگران ساخته‌است ضمن اعلام همدردی خود نسبت به ملت مسلمان افغانستان...» (همان‌جا)

البته این رشته به‌این‌جا ختم نمیشود و شرکاء و دوستان دیگر امپریالیسم امریکا مانند اطریش، ایتالیا و نروژ هم «حمله به افغانستان را محکوم»می‌کنند و آنرا «مخالف با صلح جهانی» می‌دانند!

یك سئوال عمده

قرارگرفتن کشورهائی‌که نام بردیم، درکنارهم وهمدردکنار آمریکا، دشمن بزرگ بشریت، این سئوال عمده وتعیین‌کننده را مطرح می‌کند‌که:

چرا همه محافل امپریالیستی و دست نشاندگان آنها این چنین در مقابل نوری کارآمدن «برك‌کارمل» برآشفته‌شده‌اندو همه حتی باکلماتی یکسان آنرا محکوم‌می‌کنند؟چراخبرگزاری‌های امپریالیستی‌اینقدر درباره افغانستان جنجال می‌کنند؟ و چرا حفیظ‌الله‌امین ناگهان‌ازبرای امپریالیسم آمریکا مرد برومند میشود ؟ چرا امپریالیسم آمریکا و دست نشاندگانش انقلاب اسلامی ایران و رهبران امام خمینی را باتمام قوا می‌کوبند ولی‌آزبه‌اصطلاح‌جنبش‌مسلمانان افغانستان پشتیبانی می‌کنند؟

ما ازمحافلی‌که درایران متاسفانه عین سخنان امپریالیست‌ها را درباره افغانستان تکرارمی‌کنند جداً می‌خواهیم درباره این چراها بیاندیشند.

چریك‌های فدائی، درمیان دوگرایش متضاد

چرافدائیان به‌همان نسبت که به‌مواضع سیاسی و تئوریك حزب تودهٔ ایران نزدیکتر میشوند، بردامنه خشم و هجوم ولجن‌پراکنی‌های‌خودبه آن‌میفزایند؟

گزارش دوم «مشیتی» که چریکهای فدائی درسی و هفتمین شماره‌«شربه‌کار» برداشته بودند ، درسی و هشتمین شماره این نشریه به‌نحو دیگری ادامه یافت . در«کار» ۳۷ ، چریکهای فدائی ، علیرغم مشی‌گذشته خود، روی عمده‌ترین جنبه انقلاب ما ، یعنی جنبه ضدامپریالیستی آن تاکیدورزیدند وبر این شالوده طبقه‌کارگر ایران ونیروهای سیاسی وهواداران آنرا به‌یاری‌جناح حاکم خرده‌بورژوازی درنبرد سرنوشت‌ساز باامپریالیسم امریکا و بورژوازی‌لیبرال فراخواندند . چریکهای فدائی ازدیدگاه جدید خود از خرده بورژوازی بعنوان «متحد طبیعی طبقه‌کارگر»نام‌بردند وبدرستی یادآور شدند که بدون دادن یاری‌فعال به‌این متحدطبقاتی ، «توان جنبش ضد امپریالیستی پراکنده میشود وازاین امر جز نمایندگان گوناگون بورژوازی سودنمیبرد.»

شماره ۳۸ «کار» این حرکت رو به تعالی وتصحیح‌کننده رادر عرصه دیگری تعمیم داد.در مقاله‌ای با عنوان «نظری برصف‌آرائی‌دوستان وزشنیان جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیك خلقهای ایران وجهان» ، پارهای ازیك‌احساس انترناسیونالیستی درتائیدارزوگاه سوسیالیستی بمثابه‌یك‌مقر پرولتاریای انقلابی جهان سوسوذد. چریکهای فدائی دراین مقاله ، ضمن تشریح موضع حمایت‌آمیز کوبا، ویتنام، اتحادشوروی، جمهوری دمکراتیك خلق یمن ودیگر نیروهای «ترقی خواه وضدامپریالیست جهان» از مبارزات‌مردم ایران تصریح کرده‌اند.

«جنبش نوین کمونیستی ایران که بیمار نوپاست ، سمت‌گیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و سمت‌گیری جنبشهای رهائی بخش وضد امپریالیستی سایر خلقهای تحت سلطه جهان رابایدمورد توجه قرار دهد و با تکیه برروندهای عینی درون جامعه وروك صحیح از مبارزه طبقاتی از جامعه ما، برای مبارزه‌وطبقه کارگر ایران ، برای مبارزه میلیونها مردمی که درعرصه‌مبارزه‌وضدامپریالیستی ـ دمکراتیك به‌تلاش وروزانه‌از نازه‌ای دست زده‌اند ، بیش ازپافشاری بر پیوند جنبش طبقه کارگر وزحمتکشان ایران از پشتیبانی پرولتاریای سراسر جهان برخوردارند، قادرنخواهیم بود درموضعگیری سیاسی، مشی درستی اتخاذکنیم.»

اگر درنظر بگیریم‌که آنچه درتعالیم مارکسیسم، مقدم و عمده‌است، خصلت انترناسیونالیستی آنست، این برداشت نوظهور رادرآغازچریکهای فدائی بمعنزله یك مبدأ و نقطه‌عطف مهم‌باید تلقی‌کرد وبه‌این طلیه‌دردو فرستاد. این تلاشی است دررهائی ازخرافه‌ها و سموم تئوری نزدیك پیش ناسیونالیسم‌کونیستی (کمونیسم ملی) که سالها بزرگترین قلاده از پای بخشی ازجنبش چپ‌ایران در بود. اگر این‌تلاش،که هنوزمدرد ناتمام است، به ثمر برسد، چریکهای فدائی درسپیدده‌دمی تازه، حجابی نیز، ومانعی اساسی‌را برداشته‌اند. چشم خود برخواهند داشت. اما حرکتی‌که آغازشده تنها همین‌جا نیزحائزاعتبارچشمگیری است.کافی است‌که‌نقطه‌نظرهای چریکهای فدائی درباره کشورهای سوسیالیستی و احزاب کارگری و کمونیستی تاهمین چندماه‌پیش نظری‌بیندازیم،تا به عمق تحولی‌که دروژهن وبرداشت آنها رویداده است، واقف شویم. فدائیان چهارماه قبل، در ارگان رسمی خود «کار» ، باچنین باوری‌شوروی وکشورهای سوسیالیستی را ارزیابی میکردند.

«روزپونیتها اینك زیر شعار هزبرنیض مسالمت‌آمیز لنین ، به‌نفی‌انقلاب ، به‌تبلیغ گذارمسالمت‌آمیز وسازش طبقاتی‌برداخته‌اند.»

«سیاستی که‌روزپونیتهادرپیش‌گرفته‌اند، درجهت همکاری وسازش طبقاتی و جلب‌رضایت امپریالیستها دورمیزند.» (کارپیشمومنشاءعزیزپویونیمبدرجنبش‌کمونیستی، شماره‌های ۲۷ و۲۹ کار)

بدیهی است زمانی که‌امروزدرپرتوذوب‌ـ کننده ومقاومت ناپذیرـ واقیت‌عینی اعتراف میکند‌که ، «انترناسیونالیسم پرولتری واقعاً وجود دارد» وجلوه‌های این انترناسیونالیسم‌را درسیمای کشور های سوسیالیستی نشان میدهد، درآن‌دهانی نمی‌چرخد که کشورهای‌سوسیالیستی را «عملکار امپریالیست‌ها» و«دشمنان انقلاب» و«سازشگران طبقاتی» سمی‌کنید خودتان‌این آموزش لینینی‌را بکاربندید و دلکردواد برخلاف آموز وجاندار ، درهای عمیق ، فاصله است . این فاصله «کشورهای سوسیالیستی باتغییر سیاست ومشی خود پرنکرده‌اند ،بلکه‌چریکهای فدائی باتجدید نظر در پیش واعتقاد خود کوشیده‌اند تازمیان بپردازند.

نکته جالب توجه درچرخش سیاسی وتئوریك چریکهای فدائی اینست که، آنهابهمان‌نسبت‌کمدربازسازی‌ـ های خود به مواضع حزب توده ایران نزدیکتر میشوند ، بردامنه‌خشم وهجوم‌و افترا ولجن‌پراکنی به‌حزب‌ما میافزایند!

سئوال محوری‌دراینجا اینست‌که‌چریکهای فدائی درپس‌این تناقض چه چیزی را پنهان میکنند؟

وقت‌آنست که‌این سئوال ،فارغ‌ازهرگونه پیشداوری وتعصب ، باشجاعت و صراحتی که برترین فضیلت مارکسیستی است ، پاسخ داده شود .

شما دوستان فدائی ، مواضع وتحلیلهای‌ما وخودتان را درگذشته وحال ودر طی این ده ماهی‌که از انقلاب میگذرد ، یکبارد‌یگرمرور کنید . ماچه میگفتیم‌واکنون‌چه میگوئیم؟

آنچه شما امروز در بارهٔ جبههٔ جهانی سوسیالیسم و اصل انترناسیونالیسم پرولتری میگوئید، مگر تصویر رنگ‌پریده‌ئی ازآن واقیت ظل‌آسا نیست که از آغاز تولد حزب توده‌ای ما، رهنمون‌گذاردرکردارآن بوده‌است؟ آنچه‌شمادرموزدربارهٔ‌عمده‌ترین‌وجه‌انقلاب‌ایران، یعنی وجه ضد امپریالیستی آن میگوئید، آنچه دربارهٔ ظرفیت ضدامپریالیستی‌خرده بورژوازی حاکم مینویسید ، ناکیدی‌که‌بر‌ضرورت‌حمایت فعال ازدهبری انقلابیون‌کارزاخست‌امپریالیستی وسیع‌باپورژوازی لیبرال‌میکنید، مگرنخستین بار ازطرف حزب توده‌ایران مطرح نشده‌ودمزد انکار وتحاشی شماقرارنگرفت؟

ماهنوز روی همان مواضع هستیم و این شمائید‌که برای‌تطبیق‌خود باواقیات‌و ازپرفدار خودکنندهٔ حقایق بارز وکتمان ناشدنی، بسوی نقطه‌نظرهای‌ما گام‌برداشته‌اید، پس‌چگونه است که دیروزمارا بخاطر مواضع و عقایدمان‌که انحرافی‌ازآن‌میپنداشتید، ملامت وتخطئه‌میکردید ومامروز باز بخاطرهمان‌عقاید ومواضع‌که‌خودتان ناخدفاع‌ازتوجهی درآن شریك شده‌اید، پالچاح وکینه‌ای‌که طبیعت دشمنان مشترك ما وامثوب آنهاست، هیجتان بهامیتابد؟ آیا در پس این تناقض، کهبین مواضع جدیدشما وسیاست‌تعنتی خصمانه‌تان نسبت به‌حزب تـوده ایران وجود دارد، غرور جریحه‌دار شده‌ای از جو حمایت میکند، یاخصلتی‌غیر پرولتری، ضعف‌وتنگ‌نظری خویش‌را پنهان میدارد؟

ما که خودرا مارکسیست‌میخوانید، پس بامیهار و بهپوه مارکسیستی پیندیشید، درآن صورت درخواهید یافت که صحت پایگاههای اثرناسیونالیستی و تحلیلهای سیاسی‌وجهت‌گیریهای حزب تـوده ایران در صحنه سیاست داخلی، تصادفی نبوده ونیست. سلامت واستحکام این نظرگاهها، مرهون ایدئولوژی علمی و انقلابی ژرف‌یعنی است‌که ذخیره‌ای از صیقل‌ـ یافته‌ترین تجربیات انقلابی میهن‌ما و جهانرا در دسترش وپیشتر خود دارد، نمیتوان درآن طبقه جستگی که این ایدئولوژی علمی وانقلابی متعلق به‌اوست، ریشه نداشت ودرعین‌حال‌هم در کنار این‌نیروی‌جهانی بودوهم بامیهاراسلوب آن، حوادث پرفرنج‌ازمتجید ودرکلاف‌پیچیده‌ترین آن‌گم نشد.

شماکه خودرا «مارکسیست میخوانید واز قول لنین تصریح میکنید‌که «کمونیستها هرگز به‌ره‌ره دروغ نمیگویند» سعی‌کنید خودتان‌این آموزش لینینی‌را بکاربندید و دلکردواد برخلاف آموز وجاندار ، درهای عمیق ، فاصله است . این فاصله «کشورهای سوسیالیستی باتغییر سیاست ومشی خود پرنکرده‌اند ،بلکه‌چریکهای فدائی باتجدید نظر در پیش واعتقاد خود کوشیده‌اند تازمیان بپردازند.

نکته جالب توجه درچرخش سیاسی وتئوریك چریکهای فدائی اینست که، آنهابهمان‌نسبت‌کمدربازسازی‌ـ های خود به مواضع حزب تـوده ایران نزدیکتر میشوند ، بردامنه‌خشم وهجوم‌و افترا ولجن‌پراکنی به‌حزب‌ما میافزایند!

سئوال محوری‌دراینجا اینست‌که‌چریکهای فدائی درپس‌این تناقض چه چیزی را پنهان میکنند؟

وقت‌آنست که‌این سئوال ،فارغ‌ازهرگونه پیشداوری وتعصب ، باشجاعت و صراحتی که برترین فضیلت مارکسیستی است ، پاسخ داده شود .

شما دوستان فدائی ، مواضع وتحلیلهای‌ما وخودتان را درگذشته وحال ودر طی این ده ماهی‌که از انقلاب میگذرد ، یکبارد‌یگرمرور کنید . ماچه میگفتیم‌واکنون‌چه میگوئیم؟

آنچه شما امروز در بارهٔ جبههٔ جهانی سوسیالیسم و اصل انترناسیونالیسم پرولتری میگوئید، مگر تصویر رنگ‌پریده‌ئی ازآن واقیت ظل‌آسا نیست که از آغاز تولد حزب توده‌ای ما، رهنمون‌گذاردرکردارآن بوده‌است؟ آنچه‌شمادرموزدربارهٔ‌عمده‌ترین‌وجه‌انقلاب‌ایران، یعنی وجه ضد امپریالیستی آن میگوئید، آنچه دربارهٔ ظرفیت ضدامپریالیستی‌خرده بورژوازی حاکم مینویسید ، ناکیدی‌که‌بر‌ضرورت‌حمایت فعال ازدهبری انقلابیون‌کارزاخست‌امپریالیستی وسیع‌باپورژوازی لیبرال‌میکنید، مگرنخستین بار ازطرف حزب توده‌ایران مطرح نشده‌ودمزد انکار وتحاشی شماقرارنگرفت؟

ماهنوز روی همان مواضع هستیم و این شمائید‌که برای‌تطبیق‌خود باواقیات‌و ازپرفدار خودکنندهٔ حقایق بارز وکتمان ناشدنی، بسوی نقطه‌نظرهای‌ما گام‌برداشته‌اید، پس‌چگونه است که دیروزمارا بخاطر مواضع و عقایدمان‌که انحرافی‌ازآن‌میپنداشتید، ملامت وتخطئه‌میکردید ومامروز باز بخاطرهمان‌عقاید ومواضع‌که‌خودتان ناخدفاع‌ازتوجهی درآن شریك شده‌اید، پالچاح وکینه‌ای‌که طبیعت دشمنان مشترك ما وامثوب آنهاست، هیجتان بهامیتابد؟ آیا در پس این تناقض، کهبین مواضع جدیدشما وسیاست‌تعنتی خصمانه‌تان نسبت به‌حزب تـوده ایران وجود دارد، غرور جریحه‌دار شده‌ای از جو حمایت میکند، یاخصلتی‌غیر پرولتری، ضعف‌وتنگ‌نظری خویش‌را پنهان میدارد؟

ماکه خودرا مارکسیست‌میخوانید، پس بامیهار و بهپوه مارکسیستی پیندیشید، درآن صورت درخواهید یافت که صحت پایگاههای اثرناسیونالیستی و تحلیلهای سیاسی‌وجهت‌گیریهای حزب تـوده ایران در صحنه سیاست داخلی، تصادفی نبوده ونیست. سلامت واستحکام این نظرگاهها، مرهون ایدئولوژی علمی و انقلابی ژرف‌یعنی است‌که ذخیره‌ای از صیقل‌ـ یافته‌ترین تجربیات انقلابی میهن‌ما و جهانرا در دسترش وپیشتر خود دارد، نمیتوان درآن طبقه جستگی که این ایدئولوژی علمی وانقلابی متعلق به‌اوست، ریشه نداشت ودرعین‌حال‌هم در کنار این‌نیروی‌جهانی بودوهم بامیهاراسلوب آن، حوادث پرفرنج‌ازمتجید ودرکلاف‌پیچیده‌ترین آن‌گم نشد.

شماکه خودرا «مارکسیست میخوانید واز قول لنین تصریح میکنید‌که «کمونیستها هرگز به‌ره‌ره دروغ نمیگویند» سعی‌کنید خودتان‌این آموزش لینینی‌را بکاربندید و دلکردواد برخلاف

این‌گفتار جبهه نگیرید. درآن‌صورت دروغهای سبك و حیابه‌انداختی را که از فرط ابتذال، بی‌خاصیت شده‌اند، ازانبان چرکین‌مالوپستها، تروتسکیستها وسایر دشمنان خونی طبقه‌کارگر، بمداره نخواهدگرفت‌که فی‌المثل، «حزب توده ازانقلاب شاه که بدستور مستقیم امپریالیسم امریکا به‌اجرا درآمد، حمایت میکرد» و یا «حزب‌توده موافق سرنگونی سلطنت نبود» ویا «حزب توده هنگامیکه شهرهای ایران درآتش قیام میسوخت، قهرانقلابی توده‌های رزمنده ایران‌را به‌گروهی اوباش ساواکی‌نسبت‌میداد.» (کار، شماره ۳۸، مقاله «حزب‌توده، حزب‌فریب توده...»)

کرارطولی‌واراین‌جملیات کپك‌زده ونظایر پنهاردآن چه‌هدفی رادنبال میکند؟ آیا چریکهای فدائی با تحمیل این‌جدالها و برجسته‌کردن جزئیات و فرعیاتی‌کاملا حاشیه‌ای و بیموقع، میخواهند تغییرمشی خودرا در جهت اصولی‌که حزب توده ایران‌بدان‌مزکه ومداقه آنست، مستور نگهدارند؟ آیا میخواهند ازضرورت توضیح‌و تشریح دلایل تغییر دیـدگاههای خود و علل ریشه‌ای موضعگیری‌های جدیدشانه خالی‌کنند؟ آیا میخواهند انتظار ازاراء وروشی راکه اینك مهربطلان بر آن مین‌زند، مسکوت‌بگذارند؟ آیا ازبهم عکس‌العمل جناحهای افراطی نظیرگروه اشرف‌دهقانی،یاطرفداران‌راه‌فدائی‌وپرخاشجویان مبهوت وخط چهارم»، گریزش خود را بسوی مواضعی که به‌خطوط تحلیل حزب توده ایران بالنسبه نزدیك است، پاهفشاش و تشدید حمله به‌آن، موجه وپایگاهان خود قابل‌اغماض جلوه دهند؟ آیاترس و نگرانی از «انقلاب‌کبرایران دوآتشه» آنقدر عمیق است‌که موضعگیری اصولی وصراحت فدائیان‌را تحت‌الشعاع قرار میدهد وآنها را به محافظه‌کاری وبه‌اصطلاح سیاست‌بازی میکشاند اینچه برهانی است که هرحرکت خودرا بسوی اصالت مارکسیم، یا حرکت دیگری‌معاذیر روح‌وآموزش آن‌خدشه‌دار وآسیب دیده میکنند؟

چریکهای فدائی این تکلیف را درپرابر خود قرار میدهند‌که:

«سمت‌گیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و سمت‌گیری جنبشهای رهائیبخش و ضدامپریالیستی سایر خلقهای تحت سلطه جهان مورد‌توجه قرار‌گیرد.»

وچهره‌واقعی راکه نگرش و حرکت آنها با نقطه‌نظرهای‌این نیروهای مترقی جهانی منافات دارد، زیر علامت‌سئوال قرار میدهند و میگویند:

«این رفقا... طبیعتاً موظفند ازهمه‌نهضت‌ـ های رهائی‌بخش خلقها و تمام بلوك‌بندی‌های جنبش جهانی کمونیستی وکارگری... مشخصاً انتقادکنند.» (کار، شماره ۳۸، نظری‌برصف‌ـ آرائی جهانی...)

فدائیان آنگاه برای چنین «رفقائی» پیش‌بینی‌میکنند‌که «درسطح جهانی نیزبه‌همان انزوائی کشیده میشوند‌که درسطح‌جنبش بلوك تاریخی‌ـ طبقاتی خلق به‌آن مبتلا هستند.»

لیجرا‌راچریکهای‌فدائی‌برچریکهای عیب میگیرند، خود نخبودیگری، دررابطه باحزب توده ایران، به نسیان میسپارند. معلوم نیست چرا توجه به موضع و روابط احزب کمونیستی و کارگری، دریك مورد ضرور است وعدم رعایت آن به ازروای جهانی منجرمیشود، اما ندیده گرفتن‌ناید وجاندارای‌این‌احزاب‌و کشورهای سوسیالیستی ازحزب توده‌ایران، نه تنها لازم است، بلکه اقدام درجهت مخالف این تأیید و پشتیبانی فریبنده‌ای سیاسی است!!

آیا این حمایت وهمکاری وهماهنگی تنها ظاهری وتشریفاتی‌است یاپاسخ پرمحتو

رویدادهای جهان

چین به تجاوز مزدی خود علیه ویتنام سوسیالیستی ادامه میدهد

یک سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که نیروهای متجاوز چین، بیست‌وهشتم دسامبر، ناحیه‌ای را در داخل خاک ویتنام اشغال کردند. براثر این حمله تعداد زیادی افراد غیرنظامی کشته شده‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد: این تجاوز رایك تحریك مسلحانه بسیار خطرناك خواند و گفت قبل از این حمله نیروهای چینی مدت هفت سال این ناحیه را زیر آتش گرفته بودند. ویتنام به چین دردمود این تحریکات شدیداً اخطار کرده است.

نیروهای چینی در پی مقاومت مردم و نیروهای مسلح ویتنام از ناحیه اشغالی فرار کردند. از سوی دیگر دولت ویتنام اعلام کرد که ۱۹ پایگاه مسلح چینی از ۱۹ تا ۲۶ دسامبر بیش از هفت صد بار به حریم آبهای سرزمینهای ویتنام تجاوز کرده‌اند.

پراودا: روند آزادی ملی واجتماعی به پیش میرود

روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن بحث درباره تحولات دهه ۱۹۷۰ نوشت که روند آزادی ملی واجتماعی در این دهه بگونه‌ای بسیار چشم‌گیر به پیش رفته است. پراودا ضمن یادآوری آزادی خلق‌های ویتنام، لائوس و کامبوچیا، استقلال مستعمرات پرتغال و انقلاب ملی خلق در خاورمیانه را نمونه‌ای از رزمهای قاطعیت پرتغال و اسپانیا نوشت که کشورهای بسیاری در این دهه مستقل شده‌اند. البته جنبش‌های آزادیبخش ملی با شکستهائی نیز روبرو شده‌اند، که مهمترین آن دشواری ملی باشکستهائی کفتارانزو و نتیجه آرمان آزادی سنگینی کرده است.

پراودا نوشت که دهه‌های از کشورهای جوان نیز تغییرات مترقی‌ای دیده میشود و صدوپنجاه میلیون نفر در آسیا و آفریقا سنگیری سوسیالیستی را انتخاب کرده‌اند. شمار فزاینده‌ای از کشورها، جای جهان باجهان سوسیالیسم روابطی براساس برابری کامل حقوق برقرار میکنند.

پراودا تأکید کرد که همه این رویدادها و گرایش‌ها مایه ناراحتی وخشم برتری‌طلبان است وامروزه برتری‌طلبی چهره‌های مختلف دارد. امپریالیسم، آپارتاید، نژادپرستی وازجمله سهم‌نیسم ازچهره‌های مختلف برتری‌طلبی است. همچنین عظمت‌طلبی رهبران مائوئیست پکن نیز ازجمله موارد برتری‌طلبی است.

پراودا یادآور شد که برتری‌طلبان میخواهند جلوی آزادی ملی را سد کنند، اما درسی دهه هفتاد آن‌است که آزادی‌ملی غیرقابل شکست است.

رژیم سادات همکاری اقتصادی بااسرائیل رانیز آغازکرده است

رژیم مصر بموجب مفادقرارداد خائنانه کمپ‌دیوید، علاوه برهمکاریهای نظامی وسیاسی، همکاری اقتصادی بااسرائیل را آغاز کرده است. به‌نوشته روزنامه «الاحرار» ارسال نفت‌صحرای سینا به اسرائیل شروع‌شد ونخستین محموله پنجاه‌هزار تنی ازنفت سینا به اسرائیل تحویل‌داده شده است. یك نفتکش متعلق به کشور آفریقائی لیبریا این محموله‌ازنفت را تحویل اسرائیل داده است. قرار است بعداز برقراری روابط دیپلماتیك مصر واسرائیل، نفتکشهای اسرائیلی نفت‌مصر رابه‌اسرائیل‌حمل کنند. نفت‌مصر به‌قیمتی‌بسیار پائین‌تر از بهای این‌ماده دربازارهای جهانی به‌اسرائیل تحویل داده میشود.

کمك چین وآمریکا به باندهای خرابکار در کامبوچیا افزایش یافته است

کمك چین به باندهای خرابکار رژیم‌سرنگون‌شده پول‌پوت-ینگ‌ساری افزایش یافته است. معاون‌وزارت خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام‌کرد که مالوئیست‌های چین پنج میلیون دلار به‌پك‌باپاك تایلندی انتقال داده‌اند و قرار است از این‌پول برای کمك به خرابکاران پول‌پوت-ینگ‌ساری استفاده شود. این خرابکاران ازخاك تایلند به‌کامبوچیا حمله می‌کنند. آمریکائیز درکمك به‌این خرابکاران نقش مهمی بعهده گرفته است.

حزب‌کمونیست ژاپن سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را محکوم میکند

روزنامه آکاهاتا، ارگان حزب کمونیست ژاپن، اعلام کرد که حزب کمونیست این کشور قاطعانه «استراتژی هسته‌ای‌تجاوز-کارانه» امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کند. این روزنامه به مردم ژاپن وتمام بشریت توصیه کرد که به مبارزه‌ای شدید علیه تهدید اتمی دست زنند. آکاهاتا نوشت که دولت‌کارتر تصمیم گرفته‌است‌سلطه‌آمریکا بر دیگر کشورها را تحکیم بخشد و بدین‌جهت متحدان‌خود را برای افزایش مسابقه تسلیحاتی زیر فشار قرار داده است. نمونه بارز این‌سیاست امپریالیستی باصطلاح نوسازی موشك‌ها در اروپای غربی است. آکاهاتا اعلام‌کرد که استراتژیست‌های آمریکائی مردم کشورهای دیگر را در معرض حملات تلافی‌جویانه قرار میدهند.

اسرائیل سیاست خود را به رژیم خائن سادات دیکته میکند

ناظران سیاسی در بیروت باتوجه به سخنان مناخیم بگین در مورد روابط رژیم سادات، میگویند که اسرائیل بیش از پیش سیاست خود را به‌رژیم‌خائن سادات‌تحمیل می‌کند. بگین در یك مصاحبه مطبوعاتی گفت‌که هنگام دیدار از مصر، که ظرف چند روز آینده صورت می‌گیرد، از سادات دراین‌مورد که چرا شما پنج دیپلمات بعد از برقراری روابط سیاسی بین قاهره و تل-آویو به‌اسرائیل می‌فرستید، توضیح‌خواهد خواست.

اسرائیل قصد دارد هرتعداد دیپلمات که بخواهد، به‌قاهره گسیل دارد.

این سخنان بخوبی نشان میدهد که اسرائیل تا چه حد سیاست خود را به‌رژیم سادات «دیکته» می‌کند. بگفته مشاهیر سیاسی‌غرب، در پی امضای قرارداد خائنانه کمپ‌دیوید، مصر از افتخار سیاست خارجی مستقل محروم شده‌است.

رژیم‌سادات تاکنون چند امتیاز مهم به‌اسرائیل داده است، ازجمله با گسترش آبادیهای یهودی‌نشین در کرانه‌های غربی رود اردن و نوارغزه ولوبیجا موافقت کرده است. هریك از این امتیازها خیانتی به‌ملل عرب است.

خواب خطرناك روزنامه انقلاب اسلامی

اگر کسی انقلاب بزرگ ایران را «جذاب» کند، یعنی وقوع آنرا منکر شود، جمهوری اسلامی ایران را دولت شاهنشاهی بنامد، شما به خواهید گفت؟ فاعدتاً یا اورا مغرض خواهید دانست و یا لااقل خیلی بی‌اطلاع.

اما اگر روزنامه‌ای که خود را «وزین» میداند وسرپرست آن نیز شخص مسئولی است، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را از تاریخ «حذف» کند واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را «روسیه» بنامد ویاراً توی یك کفش کند که این شوروی همان «روسیه» است، «ابرقدرتی است استعمارگر دوروبك امریکا»، شما اگر تحت تاثیر تبلیغات امپریالیستی و پرگردان این تبلیغات در دوران طاغوت قرار نگرفته باشید، نوشته این روزنامه را چگونه ارزیابی خواهید کرد؟

آیااین خواب خطرناکی‌نیست که روزنامه انقلاب اسلامی برای ایران وانقلاب ایران دیده است؟

روزنامه «انقلاب اسلامی» (شماره ۸ دیماه) سرمقاله‌ای دارد زیر عنوان «وحدت». دراین مقاله از اقوام وخلقهای ایران دعوت میشود که وحدت را حفظ کنند، توصیه‌ای که باید بجان پذیرفت.

ولی این روزنامه باصطلاح بیان دعوا فرخ تعیین میکند، یعنی ضمن دعوت خلقهای ایران به‌وحدت، «توری‌مائوئیستی ابرقدرت روسیه» رابه خواننده قالب میزند وازآن نتایج سیاسی عجیب و غریب‌بدری میگیرد، که اگرهم فانتزی سیاسی باشد، چون باالصق جدی بیان شده، چه روزنامه بخواهد وچه نخواهد، زیان‌آور است.

سرمقاله نویس ابتدا این غرض ازپهنه فادوست راپصورت یقین مطرح میکند که ایران دربان دوابرقدرت سلطه‌جو قرار گرفته است. سپس مطالبی را عنوان میکند، که ماعینا قطعاتی ازآنرا نقل میکنیم تاسخن مستند گفته باشیم. دقت کنید:

«ازروزی که انگلستان با فشون‌کشی افغانستان رااز ایران جداکرد تاامروز درواپستگی وفقرواذتوا زندگی میکند و امروز نیز عملا تحت تصرف دولت‌روسیه درآمده است. وضعیت «جمهوری های آسیائی اتحاد شوروی» راپنگ‌پدد(روزنامه جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی رادر میان دوچنگ قرارداده، چون بنظراین روزنامه نه این جمهوریها جمهوری هستند ونه اتحاد شوروی، اتحاد شوروی است). این سرزمینهارا با چنگ از مجموعه بزرگی که ایران‌خوانده میشود، جدا کردند.

در ماههای اول انقلاب مردم این سرزمینها گمان میردند که رژیم سوسیالیستی شده است وهر «ملیتی» خود باید امور خویش رادرست بگیرد، اما چیزی نگذشت که ارتش استالین‌این سرزمین هارا قصر کرد وامروز، این خلقهای تحت رژیم استثمار واستعمار قرار دارند.»

تاینجا شما میتوانید ازنیشت عینك روزنامه «انقلاب اسلامی» سرزمینهای «مجموعه بزرگی که ایران خوانده می-شود» بنگرید وبه‌بینید که خلقهای این سرزمین «تحت رژیم استثمار واستعمار قراردارند» واین «ابرقدرت سلطه جوی روسیه» دمار ازروزگار آنها درآورده است!

اینجاست که نگریستید، قاعدتاً باید یکی چاره بیندیشید، چون شما که نه دیگر مبارزه با«امپریالیسم وضدانقلاب داخلی» هستید ونه گرفتاریهای دیگری دارید! چاره کدام است؟ روزنامه ارائه طریق میکند:

«چرانباید تورك، توکرد، تورکمن، تولی، تومرب، توفارس، توبلوچ دست وحدت بهم بدهی وبخواهی قسمتهائی که بزور ازتو جداشده بتوباز پیوندد؛ وقتی باهم هستیم میتوانیم، همانطورکه وقتی باهم شدیم توانستیم رژیم‌شاه رابرانداکنیم، حالاهم اگر باهم باشیم وباهم بنای پاك زندگی توام باقوانامندی را پایه گذاری کنیم، خواهیم‌توانست‌آن مجموعه تاریخی رابازسر بسازیم...»

(ما) نمیتوانیم حضور روسیه رادر افغانستان بپذیریم. انقلاب باخفه میشود وملت مازبون میگردد، اگرنسبت بمدافعه اساس موجودیت مستقل مارا تشکیل میدهد لاقید بمانیم...»

پس «راه نجات» خلقهائی که «مجموعه تاریخی که ایران خوانده میشود» معلوم شد! سرزمین این خلقها، یعنی‌افغانستان وجمهوریهای آسیائی اتحاد جماهیر شوروی «باید به ایران ملحق سازیم و «آن جبهه تاریخی رابازسر بسازیم». اجرای این نقشه هم آسان است. «وقتی باهم هستیم میتوانیم. همانطورکه وقتی باهم شدیم توانستیم رژیم شاه را بر-افکنیم».

ولی نقشه روزنامه انقلاب اسلامی متاسفانه ناقص است! ۱۷ شهریور فقنقاز فراموش شده است!

وانگهی آقای پزشکپور، رهبر حزب شه ساخته پان ایرانیست، که «ابتکار تاریخی!» لشکر کشی، برای مصرف ۱۷ شهریور فقنقاز ازآن لوست، میتواندابین نقشه راتکمیل کند.

«کل همه میدانند چیزمند رود است وعراق هم درقلمرو «مجموعه تاریخی» بوده است... ترکیه وسوریه ومصرهم همچنین. خلقهارهاشد مگر تا یونان نرفت و«مجموعه تاریخی» رابوجود نیاورد! بخش عظیمی نیز ازمناطق جنوب خلیج فارس تابمین روزگاری جزء «مجموعه تاریخی» بوده است...

مرغ خیال‌رابپرامون «بازسازی مجموعه بزرگ» میتوان پرواز داد.

قلم رابیتوان دراختیارفانتزی سیاسی داد تابرروی کاغذ به جولان پردازد، ولی روزنامه‌ای که خود رادوزین» میداند و سرپرست آن نیز شخص مسئولی‌است، قاعدتا باید کمی خودرا نسبت به همسایه بزرگ شمالی، که دوست مردم ایران و پشتیبان انقلاب ایران واستقلال کشور ماست فروخورد ولااقل مصالح تاریخ را در نظر بگیرد. درنظر بگیرد که ما اکنون با امپریالیسم سلطه جوی امریکا درگیریم نبردی حیاتی و معانی هستیم. (که لابد روزنامه انقلاب اسلامی منکرآن نیست، اگرچه درمقاله پاك‌کننده هم دراین باره که امریکادشمن اصلی انقلاب ایران است، نوشته‌شده) درچنین حالتی، آیاقابل‌سلیم حکم نمیکند که ماپاورتی‌که خاصی است در برابر دشمنی که چنگ وددندان برای ما تیز کرد، بماکمك کند، خصوصت ورزیم؟

درهرحال جای تاسف است که این مقاله «بازسازی مجموعه بزرگ» درجای شایسته خود، یعنی درروزنامه «خاك و خون» چاپ نشده ودرروزنامه «انقلاب اسلامی» انتشار یافته است!

رویدادهای جهان

چین به تجاوز مزدی خود علیه ویتنام سوسیالیستی ادامه میدهد

یك سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که نیروهای متجاوز چین، بیست‌وهشتم دسامبر، ناحیه‌ای را در داخل خاك ویتنام اشغال کردند. براثر این حمله تعدادزیادی افراد غیرنظامی کشته‌شده‌اند. سخنگوی وزارت امورخارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام این تجاوز رایك تحریك مسلحانه بسیارخطرناك خواند وگفت قبل‌از این حمله نیروهای چینی‌مدت هفت‌سال این ناحیه را زیرآتش گرفته بودند. ویتنام به‌چین دردمود این تحریکات شدیداً اخطارکرده است.

نیروهای چینی درپی‌مقاومت مردم‌ونیروهای مسلح ویتنام‌از ناحیه اشغالی فرارکردند. از سوی دیگر دولت ویتنام اعلام کرد که ۱۹پایگاه مسلح‌چینی از ۱۹ تا ۲۶ دسامبر بیش‌ازهفت‌صدبار به‌حریم آبهای سرزمینهای ویتنام تجاوزکرده‌اند.

پراودا: روند آزادی ملی واجتماعی به‌پیش میرود

روزنامه‌پراودا، ارگان‌کمیته مرکزی حزب‌کمونیست‌اتحاد شوروی، ضمن بحث‌درباره تحولات‌دهه ۱۹۷۰ نوشت‌که‌روند آزادی ملی واجتماعی‌دراین دهه بگونه‌ای‌بسیار چشم‌گیر به‌پیش رفته‌است. پراودا ضمن یادآوری آزادی خلق‌های ویتنام، لائوس وکامبوچیا، استقلال مستعمرات پرتغال‌وانقلاب‌ملی خلق‌درخاورمیانه‌نمونه‌ای‌از رزمهای قاطعیت‌پرتغال واسپانیا نوشت‌که کشورهای‌بسیاری‌در این دهه‌مستقل شده‌اند. البته‌جنبش‌های‌آزادیبخش ملی باشکستهائی نیز روبرو شده‌اند، که مهمترین آن دشواری ملی، اما بطورکلی کفتارانزو وتنیجه آرمان آزادی سنگینی‌کرده است.

پراودا نوشت‌که‌دهه‌های‌ازکشورهای جوان‌نیز تغییرات مترقی‌ای‌دیده‌میشود وصدوپنجاه میلیون‌نفر در آسیا و آفریقا سنگیری‌سوسیالیستی‌رانتخاب‌کرده‌اند. شمارفزاینده‌ای‌ازکشور-های جهان باجهان سوسیالیسم روابطی براساس برابری کامل‌حقوق برقرار میکنند.

پراودا تأکیدکردکه همه این رویدادها و گرایش‌ها مایه ناراحتی وخشم برتری‌طلبان است وامروزه برتری‌طلبی چهره‌های مختلف‌دارد. امپریالیسم، آپارتاید، نژادپرستی وازجمله‌سهم‌نیسم ازچهره‌های مختلف برتری‌طلبی است. همچنین‌عظمت‌طلبی‌رهبران مائوئیست پکن‌نیز ازجمله موارد برتری‌طلبی است.

پراودا یادآور شدکه برتری‌طلبان‌میخواهند جلوی‌آزادی ملی‌را سد کنند، اما درسی دهه هفتاد آن‌است‌که آزادی‌ملی‌غیرقابل شکست است.

رژیم سادات همکاری اقتصادی بااسرائیل رانیز آغازکرده است

رژیم مصر،بموجب مفادقرارداد خائنانه کمپ‌دیوید، علاوه برهمکاریهای نظامی وسیاسی، همکاری اقتصادی بااسرائیل‌را آغاز کرده است. به‌نوشته روزنامه «الاحرار» ارسال نفت‌صحرای‌سینا به اسرائیل شروع‌شد ونخستین محموله پنجاه‌هزار تنی ازنفت سینا به اسرائیل تحویل‌داده شده است. یك‌نفتکش متعلق به‌کشورآفریقائی لیبریا این محموله‌ازنفت را تحویل اسرائیل داده است. قرار است بعداز برقراری روابط دیپلماتیك مصرواسرائیل،نفتکشهای اسرائیلی نفت‌مصر رابه‌اسرائیل‌حمل‌کنند. نفت‌مصر به‌بهائی‌بسیار پائین‌تر از بهای این‌ماده دربازارهای جهانی به‌اسرائیل تحویل داده میشود.

کمك چین وآمریکا به باندهای خرابکار در کامبوچیا افزایش یافته است

کمك چین به باندهای خرابکار رژیم‌سرنگون‌شده پول‌پوت-ینگ‌ساری افزایش یافته است. معاون‌وزارت خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام‌کرد که مالوئیست‌های چین پنج میلیون دلار به‌پك‌باپاك تایلندی انتقال داده‌اند و قرار است از این‌پول برای کمك به خرابکاران پول‌پوت-ینگ‌ساری استفاده شود. این خرابکاران ازخاك تایلند به‌کامبوچیا حمله می‌کنند. آمریکائیز درکمك به‌این خرابکاران نقش مهمی بعهده گرفته است.

حزب‌کمونیست ژاپن سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را محکوم میکند

روزنامه آکاهاتا، ارگان حزب کمونیست ژاپن، اعلام کرد که حزب کمونیست این کشور قاطعانه «استراتژی هسته‌ای‌تجاوز-کارانه» امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کند. این روزنامه به مردم ژاپن وتمام بشریت توصیه کرد که به مبارزه‌ای شدید علیه تهدید اتمی دست زنند. آکاهاتا نوشت که دولت‌کارتر تصمیم گرفته‌است‌سلطه‌آمریکا بر دیگر کشورها را تحکیم بخشد و بدین‌جهت متحدان‌خود را برای افزایش مسابقه تسلیحاتی زیر فشار قرار داده است. نمونه بارز این‌سیاست امپریالیستی باصطلاح نوسازی موشك‌ها در اروپای غربی است. آکاهاتا اعلام‌کرد که استراتژیست‌های آمریکائی مردم کشورهای دیگر را در معرض حملات تلافی‌جویانه قرار میدهند.

اسرائیل سیاست خود را به رژیم خائن سادات دیکته میکند

ناظران سیاسی در بیروت باتوجه به سخنان مناخیم بگین در مورد روابط رژیم سادات، میگویند که اسرائیل بیش از پیش سیاست خود را به‌رژیم‌خائن سادات‌تحمیل می‌کند. بگین در یك مصاحبه مطبوعاتی گفت‌که هنگام دیدار از مصر، که ظرف چند روز آینده صورت می‌گیرد، از سادات دراین‌مورد که چرا شما پنج دیپلمات بعد از برقراری روابط سیاسی بین قاهره و تل-آویو به‌اسرائیل می‌فرستید، توضیح‌خواهد خواست.

اسرائیل قصد دارد هرتعداد دیپلمات که بخواهد، به‌قاهره گسیل دارد.

این سخنان بخوبی نشان میدهد که اسرائیل تا چه حد سیاست خود را به‌رژیم سادات «دیکته» می‌کند. بگفته مشاهیر سیاسی‌غرب، در پی امضای قرارداد خائنانه کمپ‌دیوید، مصر از افتخار سیاست خارجی مستقل محروم شده‌است.

رژیم‌سادات تاکنون چند امتیاز مهم به‌اسرائیل داده است، ازجمله با گسترش آبادیهای یهودی‌نشین در کرانه‌های غربی رود اردن و نوارغزه ولوبیجا موافقت کرده است. هریك از این امتیازها خیانتی به‌ملل عرب است.

تفرقه‌وودوستگی،حربه همیشگی فئودالها

نشریه مجاهد، با ارائه‌ی چند سند در مورد نفوذ عناصر ثبوتالی در کمیته‌ها و ارگانهای انقلابی، چنین‌نتیجه‌گرفته است.

با این گزارشات و اسناد و واضح است که پس مانده‌های ثبوتالیسم نیز چگونه و تا کجا جمهوری اسلامی رابازیچهٔ قدرت خود گرفته‌اند تاآنجا که خیال می-کند دراین‌شرایط حتی میتوانند تضادهای چرکین و آشتی‌ناپذیر خودرا با زحمتکشان روستائی، ناشی از یك اشتباه در فلان‌سند بدانند، و چشم و گوشمان راد که گذشته‌های دور و زجر بیمر-کشی دهقانان را نمی‌بینند و نمی-شنود، از طلبهای که طی این ۱۹ - ۱۵ سال بدست خودشان

(مجاهد، ٤ دی)

بدون تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی نمی‌توان پیروز شد

نیروهای انقلابی چون می‌خواهند تا پایان راه بروند وامپر-یالیزم را همراه با پایگاههای داخلی اجتماعیش کاملا از بین ببرند و می‌دانند که‌این‌راه صعب جز با کمك‌تمام‌اقشار و طبقات ضدامپریالیست امکانپذیر نیست، پیشتاز همه بر وحدت‌اصولی امرار دارند و طالب وحدتند. آنها می‌دانند که بدون شکل گرفتن یك‌جبهٔ واحد ضدامپریالیستی از نیروهای معتقد به‌مبارزه با امپریالیزم بعنوان دشمن اصلی، هرگز نمی‌توان بر امپریالیزم پیروز شد. بعبارت دیگر شکست‌دادن امپریالیزم از عهدهٔ جبهیك از نیروها «بدتنهائی» برنمی‌آید این نیروها چون مفهوم تسنیم‌وحدت را درك می‌کنند، و بهصلاحیت نسبی نیروها اعتقاد دارند و احترام می‌گذارند هرگز با برداشتهای غیراصولی مانند وحدت شکلی، یا با انحصارطلبی یا مقولهٔ وحدت برخورد نمی‌کنند، بنا بر این اگر طالب وحدتند در عمل هم‌می‌توانند به چنین خواستی جامهٔ عمل بپوشانند.

(مجاهد، ٤ دی)

«سپاه‌واکنش‌سریع»برای مداخلهٔ نظامی‌امپریالیسم آمریکا آماده میشود

امپریالیسم آمریکا آخرین مقدمات تشکیل سپاه واکنش سریع را تدارك می‌بیند. هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا، اعلام کرد که ژنرال‌اول‌کلی‌بهست فرماندهی‌سپاه واکنش سریع‌منصوب شده است. دولت آمریکا برای تشکیل این‌سپاه ظرف پنج سال آینده ده میلیارد دلاربودجه اختصاص داده است. وظیفه این‌سپاه مداخله در نقاط باصطلاح «داغ» ازجمله در خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی وآمریکای لاتین برای حفظ تسلط امپریالیسم امریکاست.

اعتصاب کارگران فولاد کارانگلستان از فردا آغاز میشود

اولین اعتصاب کارگری انگلیس درسال جدید مسیحی از دوم ژانویه آغاز میشود. رهبران صد وپنجاه هزار کارگر فولادکار اعلام‌کرده‌اند که این کارگران از دوم ژانویه بمناظر اضافه دستمزد وشرایط بهترکارست به اعتصاب خواهند زد. کارگران اعلام کرده‌اند که برای تودم فزاینده درکشور و وضع فلاکت باری بسر میبرند.

هجوم به‌مراکز سازمانهای انقلابی توطئه ضدانقلاب است

جنبش دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران در رابطه باهجومهای اخیر به‌مراکز سازمانها اطلاعیه‌ای منتشرکرده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

بنامخدا. اوجگیری حرکت ضدامپریالیستی خلق وبسیج توده‌های مستضعف علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، باوجود تمایلات سازشکارانه مسئولان امور درجهت تحویل دادن جاسوسهای دستگیر شده آمریکائی وآشتی با سرکرده‌وعامل امپریالیسم جهانی، لیبرالیسم وجنبه توده‌های مستضعف علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، باوجود تمایلات سازشکار وسرمایه‌داران مزدور وابسته - رابه تکاپو واداشته است و برای شکاف در صف متحد خلق و خدشه بهشدار ضدامپریالیستی توده‌های بپاخاسته، حیله‌های خویش‌را بکارگرفته‌اند.

«باز مرتجعین روابستگان به امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، تهمت و توهین به نیروها وعناصر مترقی وانقلابی وجبهه‌جنوب‌جبهه‌ا

(کیهان، ۴ دی)

دانشجویان پیروخط امام بایدکلیه اسناد را مربوط به‌هرفرد وگروه‌که‌باشد، افشاء کنند

آنکاه که‌دشمن همه نیروهای خود را بسیج کرده و کلیه قوای خویش را مشترکا ساخته پروکه بخیال خام خود بمرانقلاب خاتمه و بعد حرکت دانشجویان پیروخط امام جان تازه‌ای در کالبد انقلاب دمید و درابعادگوناگون‌محاسبات خصم را برهم زد.

افشاءگریهای ناشی از این اقدام، بزرگترین گام در راه پیروزی انقلاب است. امپریالیسم آمریکا با استفاده از آخرین تجارب شیطانی خود عناصربسیاری با ماسك انقلابی در صفوف انقلابیون‌جازده بودوادر فرستهای مناسب از آنها بهره‌گیری کند بنابراین افشاءگری وتنهاافشاءگری است که می‌تواند انقلاب ما را در مقابل سیل توطئه‌ها حفاظت کند.

با توجه به این واقعیت ماازدانشجویان‌پیروخط امام‌خواستاریم که افشاءگریهای خود را ادامه دهند و کلیه اسناد بدست آمده را (خواه له و خواه علیه افراد و گروهها) بدون کم و کاست وتفسیر وتعبیر دراختیارملت قرار دهند.

(جمهوری اسلامی ، ۹ دی)

منتشر شد:

● حزب توده ایران در عرصه‌سیاست‌روز (پرسش‌وپاسخ)

نورالدین کیانوری

اطلاعات-۸ دیماه ۱۳۵۸

بندبازی با کلمات بس است

درنظر داشته باشیم که نباید در این جریانات فریب شعار-های پرطمطراق و چاپلوسانه را خورده و از واقع‌بینی لازم برای درك سیاستهای امپریالیسم دور بشویم. بهترست که به دست-اندرکارانی که متملقانه به‌پیه و چاچه‌گولی مشغولند و اکنون هم حسب‌الزمان لیشی به‌آمریکا می‌رفتند، گفت بیائید قراردادهای ننگین و مخفی را لغو و افشاء کنید.

امپریالیسم با پیچیده‌ترین سیاستها به مقابله برخاسته، از تمام هجالگیهایش کمك می‌گیرد و تاکی خود را درحرف‌بشنیان اماخمینی قلمداد میکنید؟ باید دانسته باشید که در این‌مرحله خاص پشتیبانی از امام یعنی خط درست ضدامپریالیستی را رفتن، یعنی جو عاطفی‌را به‌منطق محکم و غیرقابل نفوذ تبدیل کردن یعنی حرفهای گنده‌گنده و خوب! را به صحنه عمل آوردن.

(نشریه مجاهد، ٤ دی)

در مطبوعات کشور

۱۹۷۹ سال شکستهای تازه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا بود

سالی که گذشت ورویدادهای بظاهر ناهمگون آن، ادامه منطقی روند واحد انقلاب واحد جهانی است، که سه‌نیروی عمده آن کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه - داری وجنبش‌های رهائی بخش ملی است. در زیر، به‌مهم‌ترین این رویدادها نگاهی گذرا می‌افکنیم:

ایران

سال ۱۹۷۹ سال پرخدادی برای کشورومردم ما بود، شاید بتوان گفت که اخبار ایران وتحلیل‌ها و تفسیرهای پیرامون مسائل میهن‌ما ، درتمام سال ، درصدر مطالب رسانه‌های گروهی جهان قرار داشت ، مردم ما برحیزی قاطع **امام‌خمینی**، پس از اپوزیسیون ، زلزله آسا وجانبازی‌های حماسه انگیز ، در فوریه ۱۹۷۹ ، رژیم وابسته‌واستبدادی محمدرضا پهلوی‌را درهم‌کوبیدند وبدینسان یکی ازخونآشامترین رژیمهای جهان راسرنگون کردند . انقلاب ایران‌یکی از پایگاههای بزرگ‌امپریالیسم ، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا ، رابلرزه درآورد. رژیم خائن پهلوی‌دردوران سیاهت خود، به مردم‌کشور ما ، نه تنها نیاندیشه‌سالهاترین اختناق پلیسی‌جهان‌بود، بلکه ، پیش‌ازهمه، فرمانروائی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در این‌کشورما مسلط ساخت . درزمان‌رژیم سابق هم‌بهره‌بردن‌ی اقتصادکشور با سرمایه-های امپریالیستی‌هم‌چه‌بیشتر تشدید شد، سیاست‌نظامی-گری وتسلیحاتی عنان‌گسیخته به‌اعلی درجهٔ شدت خود رسید، درمدت نفت‌بطور عمده برای سیاست نظامیگری وتامین چپاولی بی‌پنددوباز امپریالیسم وچهره خواران آن‌مصرف‌گردید وایران‌بصورت یکی ازسنگرهای‌مقدم جبههٔ عمومی‌جنگ وتجاوز امپریالیستی علیه اتحاد جماهیرشوروی وجنبش‌های آزادی بخش‌ملی درآمد.

پدیدآمدن شگفت‌نیست که انقلاب ایران، امپریالیسم هاردا سخت خشمگین کرد. امپریالیسم به تجهیزهمه قوای خود، برای‌مقابله با انقلاب‌ما، پرداخت. درکشورما بهمه‌گونه شیوه‌های دسیسه‌کارانه، نفاق‌افکنی میان‌قشرها وملیت‌های گوناگون، تخریب، برادرکشی و ترور دستزد ودرصحنه بین‌المللی کوشید تاپیاری هم-پیمانان خود واستفاده از امکانات وسیع‌سیاسی،اقتصادی وتبلیغاتی‌رژیم ایران، حرکت‌رو برو سازد.

اشغال جاسوسخانه آمریکا بادیگر ماهیت **حقیقی** امپریالیسم آمریکا وبمثابه دشمن شماره یک پیشرفت ملی‌گرد. مردم ایران بیش‌ازپیش امپریالیسم آمریکا رابعنوان «شیطان بزرگ» بازشناخته و عمیقاً درك‌کرده‌اند که‌پتول **امام‌خمینی**: «تمام‌گرفتاریهای‌ما ازآمریکاست». ودرست بهمین‌جهت مبارزه، علیه‌رژیم‌ما،برای ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم قبل ازهمه تسلط امپریالیسم غارتگر وخونخوار امریکا، ازمهمترین ماشورد‌ویگیری ادامه‌دارد.

(کیهان، ۴ دی)

هندوچین

درفوریه سال ۱۹۷۹ تحریکات‌پیاپی رهبران ارتجاعی چین علیه‌ویتنام به‌تجاوز نظامی این کشور علیه «جمهوری سوسیالیستی ویتنام» انجامید. مردم ویتنام که همواره ازپیشتیبانی و همبستگی نیروهای مترقی ودمکراتیك جهان برخوردار بوده‌اند،دربرابر این تجاوز ایستادگی قهرمانانه نشان دادند و پشوت رساندند که‌دردامدفاع از آزادی، استقلال‌ملی،حاکمیت، تمامیت ارضی وساختمان جامعه‌ای نوتاآخرین قطرهٔ خون مبارزه خواهند کرد. مائوئیستهای چین، که بخیال خود میخواستند پنج‌ویتنام سوسیالیستی «درمی بدهند»، نه‌تنها درجبهه جنگ مفتضحانه‌شکست‌خوردند، بلکه باادیگر نشان‌دادند که دیگر ماسك انقلابی‌نمایی را یکلی ازچهره برداشته‌اند وهمچنا آنکه‌ازاد یاری ارتجاع وامپریالیسم می‌شتابند.

اکنون‌نیز محافل حاکمه چین‌ضمن تجهیز به سیاست هم‌پیمانی خود با امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، علیه ویتنام‌حماسه - آفرین ادامه میدهند وپیشامد «دردس دوم» سخن میگویند.

در سال ۱۹۷۹ پیروزی مردم کامبوچیا علیه رژیم جنایتکار پول پوت - ینگساری»، پیکار جهانی را با امپریالیسم ، برتری جوئی ، توسعه طلبی و ارتجاع وورراه صلح ، استقلال، دموکراسی وپیشرفت اجتماعی پس‌توان بخشید . این رژیم سرسپرده چین‌و فروارد‌ه دسیسه‌های ارتجاعی‌پکن ، درعرض چهارسال حکومت جبارانه‌خود، بیش‌ازسه‌میلیون‌نوع‌کامبوچیایی بیدریغ خلاقی ، سیاسی وهمه نیروهای مترقی‌و دمکراتیك، بویژ‌ه کشورهای سوسیالیستی و پیش از همه ویتنام سوسیالیستی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برخوردارخواهدبود.

کشورهای جنوب آفریقا

سال‌گذشته، جهانیان شاهد اوج‌گیری‌بی‌همتای مبارزه مردم‌آفریقای‌جنوبی - نامیبیا وزیمبابوه‌بودند. سازمانهای آزادی‌بخش این کشورها - «کنگره ملی آفریقا - آفریقای‌جنوبی»، «سواپو- نامیبیا» و «جبهه میهن‌پرستان زیمبابوه»، توانستند پیکار مردم این کشورها راعلیه رژیمهای استعمارگر و نژادپرست، سلطه امپریالیسم‌ودنوهای توسعه‌طلبی ودرراه آزادی ملی واجتماعی‌بسیج دهند. مبارزه‌مسلحانه این‌سازمانها به‌آزادکردن مناطق وسیع ودفع‌تلاشهای دسیسه آمیز امپریالیسم ورژیمهای‌جبر،خوار پی‌ازتحمیل‌درامحل‌های نواستعماری انجامید. این‌پیروزیها تنها در پرتو همبستگی نیروهای ضدامپریالیست‌ومترقی جهان‌و کمك های‌بی‌شائبه مادی، معنوی و

تحلیلی از لحظه...

درباره لیبرالیسم بورژوائی (روش سیاسی قشری ازبورژوازی، که همراه انقلاب آمده است) ودمکراتیسم انقلابی (روش سیاسی گروههای ضد امپریالیستی برخاسته ازمیان قشرهای متوسط جامعه است) درگذشته سخن گفته‌ایم. برخی‌ها که جامعه‌شناسی علمی مارکسیستی راهرگزمطالعه نکرده‌اند وازآن تنها مسموعاتی پراکنده دارند ویا بطور جامع وپی‌گیر آنرا بررسی ننموده‌اند وازآن تنها تصورات مخدوشی درذهن دارند، هرگاه بحثی از طبقات وموضع‌گیری سیاسی آنها بمیان می‌آید، بنوعی برآشفتگی وحتی سراسیمگی دچار میشوند وباخشمی آمیخته بانفرین میگویند: «اینها حرفهای مارکسیست هاست.» این طرز برخورد چه چیزی را حل میکند؟ هیچ چیز را، حرف هرکس باشد، باید دید محتوی واقعی مطلب چیست؟ نمی‌توان جامعه‌شناسی علمی مارکسیستی راالدیده گرفت. احدی حق ندارد دیدبحث علمی بانظر بغضی بنگرد.

اتفاقا برخورد طبقاتی به جامعه وسردرآوردن از موضعگیری اجتماعی وسیاسی واقتصادی هرطبقه، بهترین قطب‌نما برای درک کلاف درهم پیچیدهٔ حوادث اجتماعی است. قطب‌نمای دیگری نیست.

انقلاب ما، مانند همه انقلابها، یك انقلاب طبقاتی بود وباید بالتحلیل طبقاتی آنرا فهمید وسنجید.

انقلاب درمرحله اول خود (مرحله براندازی نظام سلطنتی) حساب خودرا بابخش مهمی اززمینداران بزرگ وسرمایه‌داران وابسته، که برراس آنها دربارپهلوی قرار داشت، تصفیه کرد وآنهارا ازاریکه قدرت بزیر کشید.

بخشی ازبورژوازی که باانقلاب همراهی کرد ومایدان به‌سبب‌آزادیخواهیش نام بورژوازی لیبرال می‌نهیم، درهمین مرحله اول براندازی، باپرچیدن کامل بساط سلطنت مخالف بود. احزاب وگروههای وابسته به بورژوازی لیبرال یاآزادیخواه، مانند حزب رادیکال آقای مقدم مراغه‌ای، جبهه دمکراتیك ملی آقای متین دفتری، جمعیت حقوق بشر، جبهه ملی، حزب ایران، نهضت آزادی ایران، حزب جمهوری خلق مسلمان، که همگی باانقلاب درمرحله اول آن درمجموع همراهی کردند، درهمان ایام ترجیح میدادند سلطنت بماند ورژیم پارلمانی طرفدار غرب باحفظ اقتصاد سرمایه‌داری درایران سر کار بیاید. آنها «با ظن خود»، یعنی درچارچوب منافع طبقاتی خود، یارانقلاب بودند ومایل بودند آنرا درمسیری که مطلوب آنهاست سیردهند.

تنها درنتیجه سرسختی خردمندانه امام خمینی و حمایت توده‌ها ازمشی اورویشتیبانی برخی سازمانهای انقلابی (وازجمله حزب توده ایران) توطئه حفظ سلطنت سرنگرفت وجمهوری اسلامی درکشور برقرار گردید.

بلافاصله پس ازانقلاب، مبارزه مشی امام، که همان مشی دمکراسی انقلابی است، باپشتی بورژوازی لیبرال آغاز شد. مشی امام، یادمکراتیسم انقلابی، آن مشی است که مترقی ترین ویپگارجویانه‌ترین نظریات سیاسی واقتصادی بویژه قشرهای وسیع متوسط جامعه‌رامنعکس میکندودارای جنبهٔ ضد امپریالیستی وضدفئودالی وضد سرمایه‌داری آشکار است. البته بعلت رهبری امام خمینی، که یك مرجع عالی روحانی ویك فقیه عالیقدر است، این دمکراتیسم انقلابی درچهره یك اسلام انقلابی بروز کرده است. تمام آنچه‌که برخی چپ‌های مارا گیج میکند، ظاهرا همین قشرباصطلاح آنهاقشری یك محتوی مترقی وانقلابی است. بهمین‌جهت‌ما به‌این دوستان میگوئیم: باید دوروك پوسته، در آنسوی قشر، ماهیت رادید، عمده وغیرعمده راباهم مخلوط نکرد.

نبرد لیبرالیسم بورژوائی ودمکراتیسم انقلابی پس ازسرنگونی شاه خائن مراحل دشواری راگذراند. ابتدا شاهپور بختیار (باحتمال قوی برباساس تقسیم کاری که بین‌یاران شده‌بود) کوشید تا در داخل‌همان چارچوب رژیم گذشته، قضیه راحل کند، یعنی اگرهم شاه را کنار میگذارد، باحفظ بنیاد سلطنت، یعنی مطلب رابه شکلی که درامریکا پیش آمد، فیصله دهد. ولی مبارزه مردم و قاطعیت امام این نقشه را بهم زد.

سپس دولت موقت مهندس بازرگان (یعنی آن‌بخش ازبورژوازی لیبرال که درجنبش مذهبی شرکت داشت) سرکار آمد، امام آرزومند بودکه بتواند بااین جناح «وحدت کلمه» راحفظ کند وبرنامه نوسازی جامعه، برپایه استقلال ودمکراسی خلقی، رابدست این جناح اجراء کند. ولی عملا این کار خودرا شدنی نشان نداد، عملاتمایل دولت بازرگان به جناح راست خود بیشتر بود.

درجریان یك نبرد سخت، بتدریج عده‌ای از رجال بورژوازی لیبرال، باچن دلیل یاپدلیل دیگر، از صحنه خارج شدند، مانند سنجابی ومتین دفتری وغزیه و مقدم مراغه‌ای وعباس امیرانتظام وغیره.

بورژوازی لیبرال دراین نبرد، بااستفاده از «واژه شیرین آزادی»، باترساندن مردم از «فالانژیسم آخوندی»، بابهره‌گیری ازآن روشهای قرون‌وسطائی که خود رفقای روحانی‌نمای آقایان درکمیته‌ها براه می‌انداختند، باهمکاری باگروههای چپ‌نما، بااستفاده ازاشتباهات برخی ازنیروهای چپ‌گرا، بااستفاده عوامفریبانه ازمسئلهٔ ملی (که خود از بنیادبن باحل‌آن مخالفند) توانست محیط دشواری برای انقلاب پدید آورد وکماکان پدید می‌آورد.

دولت موقت، که صرفنظر ازافراد جداگانهٔ آن، بیانگر این مشی بورژوازی لیبرال بود، مشی‌که‌به سیاست «گام‌به‌گام» معروف‌شده است، نخواست ونتوانست‌جوابگوی نیازهای جامعه انقلابی ایران باشد. ملاقات نخست وزیر و وزیرخارجه بابرژینسکی، بدون اطلاع امام درزمانی که امپریالیسم امریکا شاه مخلوع رابرای تقویت توطئه خود علیه انقلاب ایران به آمریکا آورد، کار را بدانجا کشاند که پایستی به «دوگانگی» درقدرت خاتمه داد. دولت بازرگان سقوط کرد ومبارزه وارد مرحله جدیدی شد.

بحث برسر ذهنیات وحسیات افراد نیست. بحث برسر عینیات وواقعیات است. واقعیت آنست که ایران ۳۶ میلیون نفری ویك میلیون وششصد هزار کیلومتر مربع‌ـ این کشور عظیم، قدیم وغنی، عزم خودرا جزم کرده است که به‌کشوری مستقل، آزاد، مرفه ومترقی بدل شود. از چه‌راه؟ آیاازراه شرکت درتقسیم کارغارتگرانه امپریالیستی، حفظ نظام سرمایه‌داری انگل صفت، مصرفی «بچپاب‌بچاپ» داخلی، خواهد توانست این وظیفه بغرنج تاریخی را، که درخورد آنست، به‌انجام رساند؟ نه! وهزاربارنه! ایران باید تسلط امپریالیسم رارپشه‌کن سازد، سرمایه‌داری‌وابسته وزمینداری بزرگ راازبین ببرد، نظام اقتصادی خلقی عادلانه‌ای راپسود اکثریت مطلق مردم شهر وده برقرار سازد و چهاراسبه درجاده ترقی صنعتی، کشاورزی، علمی، فنی، وهنری به‌پیش تازد، تابه «هدف برسد، ایران به‌رژیم صرفه‌جوئی، به‌رژیم اضباط، به‌رژیم شوروشوق خلقی (یعنی به سرمایه‌گذاری اضافی) دروسیعترین مقیاس وبه‌کار عرق ریزو «بکش» احتیاج دارد، تاوظیفه‌ای راکه ازآغازقرن حاضر شروع کرده وبدلایل عدیده سرنگرفته است، طی چنددهه‌آینده‌انجام‌دهد. مطلب‌باین‌اندازه جدی‌وسهم است. وظیفه‌ای که انقلاب مطرح کرده، حیاتی است و شوخی‌بردار نیست. سرنوشتی ودوران سازاست!

آیاما مجبوریم همیشه چاکر وگاوشیزده و زائده امپریالیستها باشیم؟ و آیا با اقدامات نیمه‌بند، با رژیم‌های پارلمانی «مدغرب»، یاادامه راه سرمایه‌داری، که بشکل «دولارو ریال» درکشورما وجود دارد وآن‌هم با هزاران رشته به انحصارهای نفت واسلحه وصل است، یاادامه یك سرمایه‌داری «خدماتی»، که هنبرگرفروشی وصدهاشعبه‌های رنگارنگ بانك و «صافکاری» وجلوبندی» اتوموبیل‌های شخصی وبازارهای ابناشته ازبنجل ساخت همه شرکتهای سودجوی جهان، نمودار بیماری آنست، ما خواهیم توانست به سطوح فوقانی‌تمدن‌بغرنج معاصر برسیم؟ حتی شاه مخلوع برای عوامفریبی میگفت‌که شکاف کشورما با کشورهای پیشرفته دمبدم بیشتر وبیشتر میشود «منتهی میخواست‌بدون آنکه دست، به‌ترکیب امتیازات سنتی سلطنتی اورخانواده‌اش بخورد، ایران رابسوی «تمدن بزرگ» ببرد، وجالب است که آقای بازرگان درنطق تالار دانشگاه تبریز برای شاه مخلوع دراین زمینه «حسن نیتی» هم قائل شده است!

ایران به تمدن واقعی تنهاازراه کسب استقلال سیاسی واقتصادی، تنهاازراه ایجاد یك نظام ملی ودمکراتیك در اقتصاد وفرهنگ میتواند دست یابد.

باری، صحبت ابداً برسر ذهنیات نیست ومراعات و مدارای دائمی امام نسبت به‌کسانی مانند مهندس بازرگان ودکتر سحابی حاکی ازآنست که وی نمیخواهد در «حسن‌ـ نیت» این افراد تردید کند. ولی مسئله ازاینهاپالاتر است.

بنظرما، دراین جریان «که برکه چیره میشود؟ لیبرالیسم بورژوائی یادمکراسی انقلابی» (یابه بیان امام، حاکمیت مستکبرین یاحاکمیت مستضعفین) باید نتیجه نهائی ازجهت سیاسی (چگونگی حاکمیت) واز جهت اقتصادی (راه رشد) روشن شود. تاروشن نشود، نمیتوان ایران واقعاً نورا ساخت. تا روشن نشود انقلاب درخطر اضمحلال یا کژراهی است.

البته درمیان رجال وابسته به بورژوازی لیبرال، برخی عناصرکه «عامل امپریالیسم» باشند، پیدا میشوند، ولی بورژوازی لیبرال را، مانند بورژوازی بزرگ وابسته، نمیتوان دربست ازجهت عمل‌کرد سیاسی‌اش عامل‌امپریالیسم دانست. دراین بورژوازی عناصر ملت‌گرائی‌ضدامپریالیستی و آزادیخواهی درچارچوب محدودی وجود دارد. ولی آیا این روش نیمبند کافی است؟ نه، ابداً! زندگی نشان داد که نیمبندی این جریان، امکان بندوبست‌های مضری را میتواند بوجود آورد. انقلاب باید ازاین نیمبندی حفظ شود وپای‌بند اصول واقعاً انقلابی باشد.

درشرایط کنونی، «دمکراسی انقلابی» (تکرارمیکنیم: یعنی روش سیاسی واقتصادی گروههای پیشروئی که از میان قشرهای متوسط جامعه برخاسته‌اند) بمراتب وبمراتب بیشتراز لیبرالیسم بورژوائی وحرکت «گام به‌گام» وفرومیستی خواهد توانست پاسخگوی نیازمندیهای رشد باشد، و آنهم در «خط امام» منعکس است. مااین مشخصات «خط امام» را، براساس گفته های خودایشان، طی یك جزوه جداگانه فراهم آورده‌ایم. علت پشتیبانی صمیمانه ما ازامام همین «خط» است.

«دانشجویان مسلمان پیروخط امام» درتوضیحات روز چهارشنبه، ۵دیماه ۱۳۵۸، خود درمورد افشاگریهای‌مربوط به‌نهضت آزادی ایران تصریح کردند که آنها از یك «انحراف» نسبت به «خط امام» سخن میگویند، نه‌بیش. این انحراف، همانست‌که ما تفاوت مابین لیبرالیسم رفورمیستی ودمکراتیسم انقلابی نامیدیم. لذا «نه من غریبم» درباره آنکه: «آه بما تهمت جاسوسی میزنند! بماکه آنقدر تمیز ومیهن پرست وباحسن نیت هستیم»، زائد است. مطلب جدی‌تر ازاینهاست.

سرنوشت این نبرد بکجا میرسد؟ مامیدواریم که به پیروزی دمکراتیسم انقلابی، به‌پیروزی خط امام بیانجامد. باین هدف بایدکمك رساند. این وظیفه تنها حزب توده ایران نیست. این وظیفه همه هواداران راستین انقلاب، از جمله مجاهدین‌خلق، چریکهای فدائی‌خلق ودیگرگروههائی که دارای صداقت انقلابی هستند، نیز هست. باید توانست درجزئیات غرق نشد وتمام منظره رادید. بگفته لنین: «در تنه‌شای درخت غرق نشد وجنگل رادید.»

لحظات بسیار بسیار حساس است: ضدانقلاب، که باعنام قوابه پیروزی لیبرالها امید بسته است، درکشورما ابداً ضعیف نیست. اوزخمدار است، ولی دارای قدرت عمل است. اگر اشتباه کنیم، یادیر کنیم، یاانرژی رادر جای لازم مصرف نکنیم، دچار سرخوردگی‌ها وندامت‌های گزنده خواهیم شد. این سخنان «نصیحت پدرانه» نیست، یادآوری برادرانه واجرای وظیفه هم‌رزمی‌است، لاغیر.

کاریکاتوری ازروزنامه «اونزره‌سایت» ارگان حزب کمونیست آلمان، بعلامت همبستگی با مردم انقلابی ایران.

کارتر آمریکائی کاوبوی‌منشانه بسوی ایران راه افتاده است. هفت‌تیر او نیز تصویری از اشمیت صدراعظم آلمان غربی است: همبستگی امپریالیستها علیه انقلاب ایران

مسئله‌ای نیست!

سئوال و جوابی تخیلی با پرزیدنسی‌مشاور «امنیتی»رئیس جمهورکارتر، به نقل از روزنامه «واشنگتن پست»، ارگان حزب سوسیالیست متحده برلن‌غربی ـ شماره اول دسامبر ۱۹۷۹

س ـ آیابخودجرأت‌میدهید برئیس‌جمهور توصیه‌کنیدکه‌ای را فشار بدهد ومیلیونها نفر را نابودکند؟

ج ـ البته، بدون هیچ تردیدی.

س ـ دراینصورت‌وجدانتان راحت خواهد بود؟

ج ـ اینکه مسئله‌ای نیست. اگرداشتم‌که جای‌من اینجانبودا

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ، کاویان

MARDOM
No. 132
1 January 1980
Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

«سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران» به ندای امام خمینی مبنی بربسیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی پاسخ مثبت می‌دهد

انقلاب‌شکوهمند مردم‌ایران وظایف و مسئولیت‌های عظیمی در مقابل نیروهای راستین انقلابی قرار داده است. نابود کردن میراث‌های شوم حکومت شاه آمریکا، یکی‌ازعمده‌ترین این وظایف است، دهها‌سال‌سلطه امپریالیسم جنایتکار آمریکا، کشور ما را در تمامی زمینه‌ها دچار عقب ماندگی وافلاس وحشتناکی ساخته است. افلاس فرهنگی و ازجمله بیسوادی بیش‌از ۲۰ میلیون زن ومرد، پیروجوان‌ایرانی‌یکی ازگوشه‌های جنایات امپریالیسم وعمال ووابستگان‌به‌آن ویکی‌از پیامدهای‌سلطه‌فرهنگ نواستعماری برمیهن ماست. ازمیان بردن میراثهای شوم رژیم‌گذشته درهمه عرصه‌ها از جمله مبارزه همگانی بابیسوادی دارای‌اهمیت‌فراوانی درساختن ایران آبادو آزاد آینده است. اکنون‌دربرابر انقلاب‌ایران وظیفه بازسازی‌کشور بطورهرچه مهم‌تری مطرح گردیده‌است و دراین‌رابطه‌است که امام‌خمینی رهبر بزرگ انقلاب‌ضدامپریالیستی وخلقی ایران، در دیماه۷ دیماه خویش ملت ایران رابه «قیام برای مبارزه بابیسوادی» فرا خواندند.

امامبدراین پیام‌چنین گفتند، «اکنون بدون از دست‌دادن وقت وبدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی بطورضربتی وبسیج عمومی قیام کنیم تاانشاءالله در آینده نزدیك هرکس نوشتن وخواندن ابتدایی‌را آموخته باشد. برای این امر لازم‌است تمام‌بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران وبرادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند و وزارت آموزش وپرورش باتمام امکانات بپاخیزدواز قرطاس‌بازی‌وتشریفات‌اداری بپرهیزد.»

سازمان‌جوانان‌ودانشجویان دمکرات ایران بمثابه یکی از پیگیرترین گردانهای جنبش انقلابی ایران به‌پیام‌امام پاسخ مثبت‌می‌دهد و آمادگی کامل‌خویش را برای شرکت هرچه فعالتر در این «قیام»همگانی برای‌ریشه‌کن ساختن بیسوادی اعلام می‌دارد.

سازمان‌ما حاضراست‌که‌کلیه امکانات انسانی خویش‌را در این زمینه بکار اندازد. ما از وزارت آموزش وپرورش جمهوری‌اسلامی ایران می‌طلبیم‌که برمبنای‌فرمان امام هرچه سریعتر برای انجام این مبارزه عظیم انقلابی ازهمه امکانات موجود بهره‌گیرد.

باشدکه‌دربرتو مبارزه‌پیگیر و خستگی‌ناپذیر همه نیروهای راستین انقلابی، امپریالیسم و میراث‌شوم‌آن یکبارودیرای‌همیشه ازعرصه‌کشورمان ریشه‌کن‌شود.

سازمان جوانان ودانشجویان‌دمکرات‌ایران
۱۳۵۸/۱۰/۹

از انتشارات حزب توده ایران
منتشر شد:

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» درنظر داردعکسهای تمام‌مبارزانی راکه‌دردوران‌سلطنت لنگین ومنفورخاندان پهلوی در راه‌آرمانهای ملی‌ومهیمنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اند،جمع آوری کند.

ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌ـ خواهان تقاضامیشودکه هرعکس از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ـ مردم

در مجمع‌عمومی کارکنان شهرك اکباتان

ماه‌گذشته مجمع عمومی کارکنان شهرك اکباتان درایستادیوم راه آهن، واقع در شهرك اکباتان، باحضور قریب دوهزار نفر از کارگران وکارمندان شهرك تشکیل شد.

پس‌ازتشکیل شورای شهرك اکباتان، مجمع‌عمومی کارکنان تا مدتی هرهفته یا هر۱۵ روز یکبار تشکیل می‌شد، که «بدأ تا چندماه فعالیت آن متوقف شد.

در جلسه‌اخیر مجمع عمومی، ابتدا سخن‌گوی شورای‌شهرك وعضو شورای هماهنگی پیرامون مشکلات موجود در کارشهرك و شورا سخن‌گفت، وی ضمن تصدیق اشتباهات شورا وقابل انتقاد بودن‌آن تاکیدکردکه نارسایی‌های‌موجود یك واقعیت‌است وبخشی از آن با تغییراعضاء شورا برطرف می‌شود ولی شوراپیشوان یك اصل مترقی بساید پیاده شود و همه باید درحفظ‌وگسترش آن کوشش‌کنند.

حاضرین در جلسه مجمع عمومی طی سخنانی تشکیل‌نشدن مجمع‌عمومی، برگزاری جلسات نمایندگان درپشت درهای بسته‌و ارتباط نداشتن شورا با کارگران را مورد انتقاد قرار دادند و خواست های صنفی خود را مطرح نمودند.

از جمله خواست‌های‌صنفی‌تهیه مسکن مناسب‌برای‌کارگران وحل مشکلات بیشمار زندگی آنان وتهیه‌دفترچه بیمه درمانی‌بود.

کارگران هنگام اشاره سخنرانان مشکلات‌وخواست‌هایشان بافریاد «صحیح است» موارد ذکرشده رایکصدا مورد تائید قرار دادند وقاطعیت وپیگیری شورا را در برطرف کردن نارسایی‌ها خواستار شدند.

در اتحاد شوروی از هرهزار نفر، ۷۶۶ نفردارای تحصیلات متوسطه وعالی‌هستند

طبق اطلاعیه اداره مرکزی آمار اتحاد شوروی، که در پایان هرسال‌منتشر میشود، جمعیت اتحاد شوروی طی نه‌سال‌اخیر ۲۱ میلیون افزایش یافته است. ازهرهزارنفر اهالی کشور۷۶۶ نفر دیپلمه، لیسانس و مساوقی لیسانس هستند. شمار زنانیکه دارای تحصیلات متوسطه وعالی هستند، با مردان برابر است. در دبیرستانهای کشورمتجاوزاز ۵ میلیون ودردانشگاهها ودانشکده‌ها متجاوز از۷میلیون‌نفر تحصیل میکنند. تمام افراد جامعه‌ازلحاظ کار تامین‌وبرحسب تخصص شاغل هستند. درهرسال دراتحادشوروی دومیلیون محل‌کار جدید ایجاد میشود، متجاوز ازپنجاه سال است که دراتحاد شوروی پدیده بیکاری اصولا وجود ندارد.

بااتکاء به‌پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، باتأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم